

عمارت قاجاری طاق بستان^(۱)

نوشته : هایز لوشای

ترجمه : سیامک خدیوی

آثار ساسانی قرار گرفته و به نظر می رسد که سعی اش در تطبیق دادن خود با آنهاست.

عمارت در ۲۰ متری ایوان کوچکتر و در همان تراز قرار دارد و دو طبقه می باشد، طبقه تحتانی با یک نیم دایره بزرگ به یک سالن باز می شود، سالنی که چشمه ای در آن می جوشد.

این طبقه ی همکف، نوعی پی محسوب می شود که از سمت چپ متصل به نقش برجسته اردشیر دوم و از سمت راست، هم مرز با یک فضای درخت کاری شده ی شیبدار است.

ساختمان آن آجری و بدون اندود و یا گچ کاری در سطوح خارجی است.

کتیبه ی قوس مرکزی در طبقه ی تحتانی به وسیله کاشی های چند رنگ با نقوش هندسی تزئین یافته است، این کاشی ها به رنگ های زرد، آبی، بنفش، سبز، سفید و سیاه است (تصویر ۴).

یک نیم طبقه با چهار بازشوی کوچکتر اساسا به عنوان مرتبط کننده ی دو طبقه ی آن مورد استفاده است.

طبقه ی فوقانی با پنج طاق، رو به دریاچه دارد. این طاق ها بر روی ستونهائی قرار دارند که سر ستون هایشان یادآور سر ستونهای مشهور ساسانی است که در طاق بستان هستند.

طاق وسطی بزرگتر از طاقهای دیگر است و نحوه قوس

در سال ۱۹۲۰ زمانی که *ارنست هرتسفلد* (Ernest Herzfeld) اثر ارزشمند خود «دروازه آسیا» را به انجام رسانیده بود و اهتمامی وافر در راستای تفهیم هنر آغازین ایران و نیز هنر ساسانی به خرج داده بود، توجهش بیش از هر چیز به نقش برجسته های طاق بستان و سر ستونهای ساسانی که در آن محل یافت می شدند معطوف شد. در آن هنگام عمارت قاجاری که موضوع پژوهش ماست هنوز پابرجا بود.

در سال ۱۹۲۳ یکی از شاگردانم بنام و. کلایس (W

Kleiss) پس از مطالعه پروژه های *هینز* (F.Hinzin) توجه مرا به عمارت جلب کرد که در تصاویر ۲۷ و ۲۸ کتاب *هرتسفلد* در جنب ایوان ساسانی خود نمائی میکند.

نبایست پنداشت که این عمارت یک بنای الحاقی مزاحم و ناخوشایند از دوران اخیر در یک محوطه تاریخی است، مشکلات آن میبایست در کل این محوطه و نه بگونه ای مجرد دیده شود. این عمارت در سال ۱۹۶۳ تخریب گردید، اکنون دیگر تاریخ اتفاق افتاده است و ما سعی داریم تصویر روشنی از منشاء، بانی، فرم معماری، سنت هنری، الهامات و ایده آل ارائه داده و همچنین رابطه آنرا با سر ستونهای ساسانی آشکار سازیم (تصاویر ۱ تا ۷)

عکسی که *هرتسفلد* در سال ۱۹۱۳ برداشته، زیباترین شاهد تصویری از این معماری است (اینجا تصویر ۱).

این عمارت در پس دریاچه درخشان خودجوش در حالیکه پشت به دیواره سنگی عظیمی دارد، تقریبا هم ردیف

آن ایوان ساسانی را تداعی می کند .

بام بنا تخت و دقیقاً هم تراز کنگره های ایوان بزرگ است.

در پشت این طاق های روبه دریاچه ، رواقی قرار دارد و پس از آن دیوار سفید، روشن و اندود شده ای با سه پنجره که در واقع درب ، یا مدخل محسوب می شوند، راه ساختمان به رواق را تأمین می نمایند. در بالای هر یک از درها روزنه ای قرار دارد.

در دو اطاق جانبی نشانه ای از درهای ورودی که اکنون مسدود هستند دیده می شود.

دیوارهای جانبی ساختمان با ستون نماهایی تزئین شده اند (تصویر ۳). بام آن مسطح و دسترسی بدان از طریق دو راه پله تأمین گردیده است. در نخستین برخورد محرز می گردد که ساختمان عمارت رابطه ای عمیق با آثار ساسانی موجود دارد، این رابطه با توجه به ابعاد، فرم، تناسبات، نوع طاق ها و شکل سرستون ها به خوبی بیان می شود و عمدی بودن همه ی این فراخوان ها و تشابهات روشن است.

همچنین می توان گفت، سومین ایوان ، ایوانی است که هرگز ساخته نشد و هر *تسفلد* بدان معتقد بود، یعنی ایوانی که جای آن در «نمای سه ایوانی» خالی است و اکنون آنرا در جائی کاملاً متفاوت می یابیم.^(۲)

در عمارت و فضای اطراف آن تغییرات بسیاری ایجاد شده که دریاچه نیز از این تغییرات مستثنی نبوده است. این دریاچه خود جوش با دیواری از اطراف جدا گردیده است، ابعاد تقریبی آن ۸۰×۱۲۰ متر و مستطیل شکل می باشد. در عکسی که هر *تسفلد* برداشته یک مسأله روشن است و آن اینکه ساختمان بدون فاصله از دریاچه است و مستقیماً بدان باز می شده و همچون ساختمانی در «درکانال گراند» و نیز^(۳) از پس آب قد برافراشته است.

بعدها با ایجاد فضائی درختکاری شده به عرض ۲۰ تا ۳۰ متر در مقابل بنا فاصله ای تا دریاچه به وجود آورده اند که می توان آنرا در عکس هوائی که در سال ۱۹۳۷ توسط /ف. /شمیت (E.F. Schmidt) برداشته شده است ملاحظه نمود. (تصویر ۵)

نهالهای کاشته شده در آن زمان اکنون (۱۹۶۱) رشد

نموده بطوریکه ایوان های ساسانی و بنای قاجاری را در پشت خود مخفی کرده اند. (تصویر ۲).

حال و هوا و روح این محل، جریان تند آب چشمه، یا دواره های ساسانی با آناهیتا و الهه ی آبها، دریاچه خود جوش با انعکاس اشعه خورشید بر سطح آن که گاه تالو آب بر ایوان بزرگ می افتد همچنین وجود گیاهان و درختان، فضائی را به وجود می آورند که اغلب در جستجویش هستم.

آرزوی اصلی ام طبیعتاً پی بردن به راز ایوان بزرگ و سر ستونهای بیستون می بود. آنگونه که هر *تسفلد* با تکیه بر سایه سنگین سنت تاریخی بدان اشاره دارد، این یا باید خسرو دوم باشد که در طاق بستان نشان داده شده است، یا اینکه پیروز ساسانی است؟ که *کورت /ردمن* (Kurt Erdmann) همکار و دوستم بر مبنای تاج وی حدس زده بود؟^(۱) در کنار این معما که حل آن ذهنم را به خود مشغول می داشت عمارت قاجاری البته در درجه دوم اهمیت قرار داشت.^(۲)

این بنا در محوطه تاریخی همانند یک موزیک متن و نوائی همراه کننده می بود. در ماه می ۱۹۶۳ نگرانی من در مورد بنا آغاز شد، زیرا در آن زمان در جلسه شورای عالی باستان شناسی که *رومن گیرشمن* (Roman Ghirshman)، *رائول کوریسل* (Rouel Curiel) و *دیوید استروناخ* (David Stronach) نیز در آن شرکت داشتند، افتخار حضور یافتم و در آنجا آگاهی یافتم که قصد تخریب عمارت قاجاری طاق بستان را دارند، و این طبیعتاً به خاطر عیان نمودن آثار ساسانی بود، علاوه بر آن قصد آزاد سازی چشمه آناهیتا را داشتند تا شاید بتوانند محل پرستشگاهی ساسانی را آشکار ساخته همچنین موفق به آزاد کردن دهانه چشمه شوند و با این ایده ها برنامه ریزی جهت کاوش را آغاز نمایند. در آن زمان نمی توانستم اعتراضی علیه تخریب عمارت قاجاری انجام دهم و تنها با عجله خواستار به تعویق انداختن عمل تخریب شدم تا اینکه *هینز* که کارشناس محوطه های معماری در انستیتوی ما بود بتواند بنا را برداشت نماید.

با وجود آنکه مسئول فرهنگ و هنر^(۳) طی تلگرافی دستور توقف تخریب بنا را تا زمان رسیدن ما به آنجا داده بود، در کرمانشاه اهمیتی به این درخواست نداده، تخریب را آغاز و

ادامه داده بودند.

هینز هنگام ورود (۲۵ مه ۱۹۶۳) تنها خرابه طبقة همکف بنا را می‌یابد. چند روز بعد تنها کاری که توانستم انجام دهم نجات دادن یکی از سر ستونهای ساسانی بود که در بین خرابه‌ها و نخاله‌های ساختمان تخریب شده افتاده بود. با از بین رفتن بنای قاجاری نتیجه چندان هم از نظر باستان شناسی عاید نگردید.

آنچه از ساختمان می‌توانیم نشان دهیم تنها پلان طبقة همکف می‌باشد، پلان طبقة فوقانی را هینز با در کنار هم گذاشتن عناصر باقی مانده توانست ترسیم نماید.

نمای ساختمان نیز با کمک عکس‌هایی که در مقاطع مختلف زمانی تهیه شده بودند ترسیم شد سپس و کلایس بر مبنای کار هینز طرح‌های توضیحی دقیقی که در متن ملاحظه می‌نمائید به انجام رسانید (طرح‌های ۱-۲)

ساختمان ۲۰ متر طول، ۱۲ متر عرض و تقریباً ۱۱ متر ارتفاع دارد و در مرکز طبقة همکف دهانه چشمه قرار گرفته است آب از دو طرف به این سالن گنبدی شکل در جریان است که از سمت جنوب با دهانه طاقی روی به بیرون دارد. تمامی مساحت سالن مرکزی از یک حوضه‌ی آب تشکیل یافته است. جهت جریان آب از دو سوی، یعنی از سالن‌های چلیپائی جانبی به سالن مرکزی و از آنجا به طرف ورودی بنا و از زیر آستانه آن از طریق کانالی که آب را با شدت به خارج هدایت می‌کند می‌باشد. سالن‌های جانبی که قبه‌ای شکل هستند با گذر از معبرهای تنگی قابل دسترسی می‌باشند، به پهنای ۱/۲۵ متر.

آب نقشی اساسی در معماری ایرانی دارد، عقیده بر این است، جائی که اغلب بانی بنا می‌نشسته دقیقاً سالن واقع در ضلع شمالی است (۴/۴۰ × ۴/۴ متر) که به یک غار شبیه است و در پلان با ایوانهای ساسانی قابل مقایسه است. اما از طبقة فوقانی عمارت قاجاری صرفاً یک تصویر تقریبی داریم. قطعاً حق با هینز است که عقیده دارد تقسیم بندی فضاها در طبقة فوقانی می‌بایست بسیار شبیه به طبقة تحتانی باشد یعنی یک سالن مرکزی با ایوانهای جانبی.

تنها از تقسیم بندی نمای آن می‌توانیم با اطمینان کامل

سخن بگویم که از این قرار است:

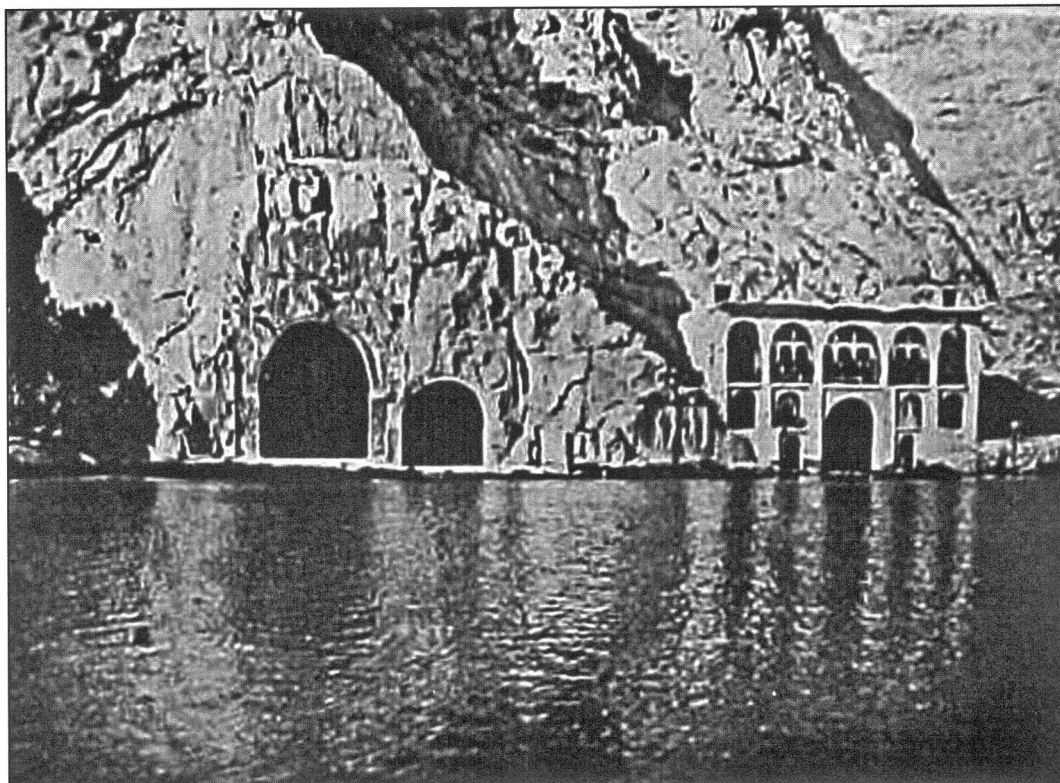
نمای بنا در طبقة فوقانی به پنج دهانه قوس تقسیم گردیده که قوس وسطی بزرگتر از بقیه است، و یک رواق^(۶) که تحمل بار آن بر چهار ستون و دو جرز برابر در طرفین که گوشه‌های انتهائی ساختمان را تشکیل می‌دهند می‌باشند.

از تقسیم بندی داخلی به طور دقیق اطلاعی نداریم، اما به احتمال قریب به یقین سالن مرکزی می‌تواند با طاق‌های برابر به سالن‌های چلیپائی جانبی مرتبط بوده باشد هینز بدرستی جایگزینی سالن‌های کوچکتر را مشخص کرده است اما با این وجود در طرح وی جای پنجره‌های قسمت پشت ساختمان با آنچه که در عکسهایی که من در ۱۹۶۱ برداشته‌ام متفاوت می‌باشد (تصویر ۶).

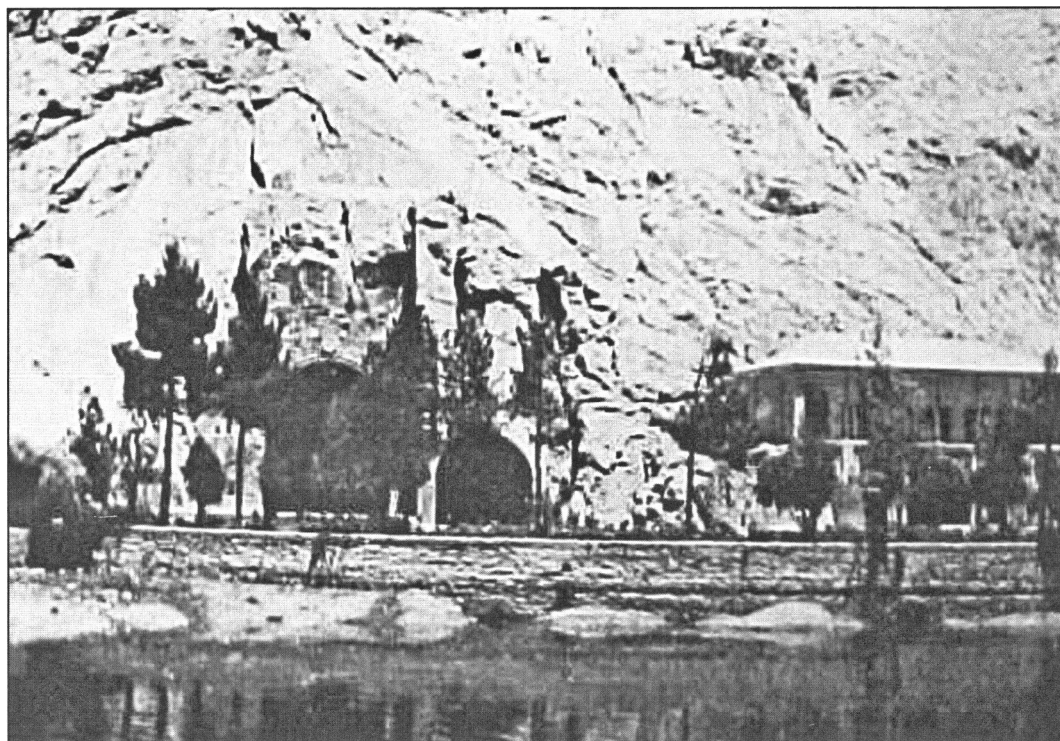
پنج دهانه قوسی که در طبقة فوقانی عمارت دیده می‌شوند، بوسیله چهار ستون تحمل می‌گردیدند با مشاهده عکس‌های قدیمی می‌توان حدس زد که این ستون‌ها چهارگوش بوده‌اند (مقطع چهار گوش)؛ هینز آنها را مدور ترسیم نموده است.

اما آنچه مسلم است این ستون‌ها به سر ستونهای ختم می‌شدند که تقریباً ۷۰ سانتی متر بلندی داشته‌اند که بسیار نزدیک به اندازه سر ستونهای ساسانی در بیستون و طاق بستان می‌باشند. می‌توان این احتمال را داد که سرستون‌ها به شیوه رایج در معماری بعد از اسلام مقرنس کاری شده باشند که البته در این صورت به نسبت ابعاد می‌بایست کمی لاغرتر باشند. از نظر فرم نیز اکثراً پلکانی شکل می‌باشند.

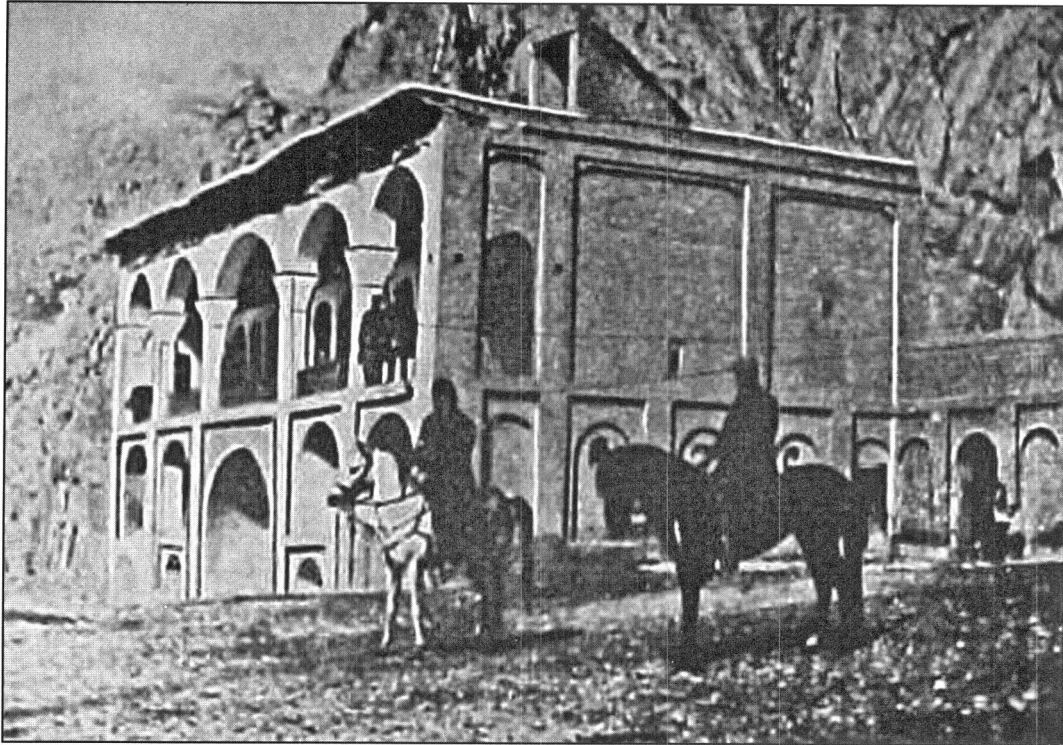
پنداشته می‌شود که در آغاز قصد بر این بوده که از سر ستونهای اصلی موجود در بیستون استفاده نمایند و مستقیماً آنها در بالای ستون‌ها قرار دهند، سپس از این ایده به علت آنکه از چهار ستون مورد نیاز در آن زمان تنها دو تای آنها را در دسترس می‌داشته‌اند صرف نظر شده است، بنابراین اقدام به ساختن سر ستونهای مشابهی با همان ابعاد می‌نمایند، با این تفاوت که در ساخت آنها از آجر استفاده کرده و سطوح آنها را با گچبری تزئین نموده‌اند. در ادوار بعد سر ستون‌های اصلی بدون استفاده و به عنوان مکشوفه‌های باستانی در صحن باغ باقی مانده‌اند.



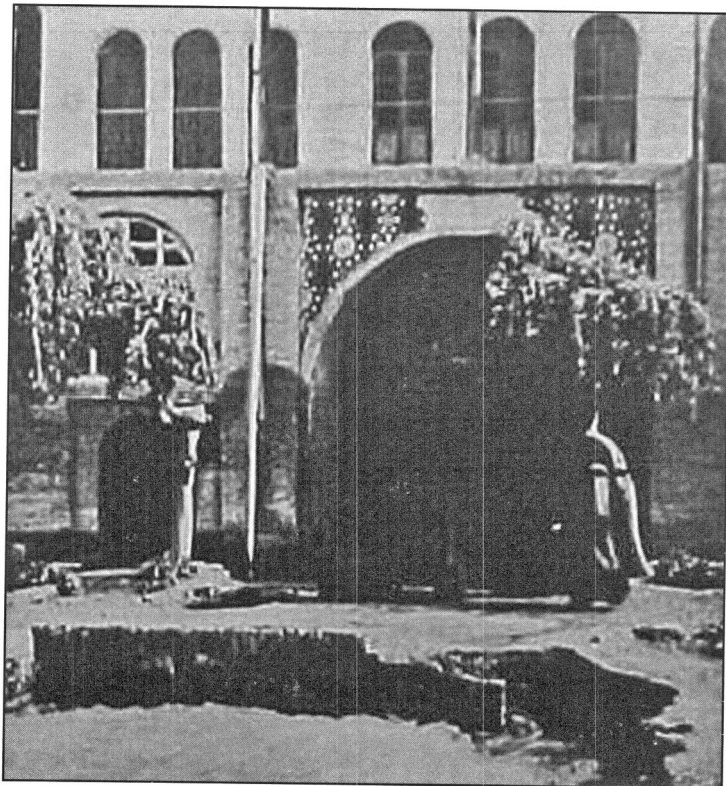
تصویر ۱- عمارت فاجاری طاق بستان. عکس از E.Herzfeld در ۱۹۱۳



تصویر ۲- همان موضوع عکس از مؤلف در ۱۹۶۱



تصویر ۳- عمارت قاجاری در طاقبستان، قسمت جانبی ساختمان (قبل از سال ۱۹۰۸) در کتاب "ایران، شرق بیدار" (۱۹۰۸). اثر W.P.Cresson



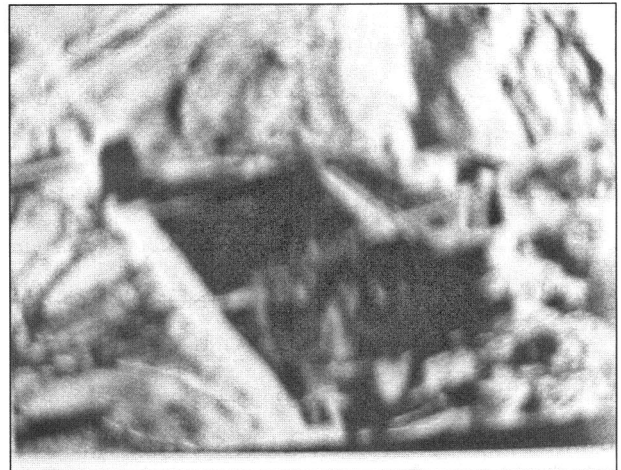
تصویر ۴- عمارت قاجاری با خروج شدید آب از چشمه خروشان عکس از مؤلف ۱۹۶۲

خیاش (Khiash) در ۱۸۷۸ آنها را دیده و عکسبرداری نموده است.^(۳) **سار**^(۴) (Sarre) بین سالهای ۱۸۹۷ و ۱۹۰۰ و **هرتسفلد** کمی دیرتر موفق به مشاهده آنها گردیده است.

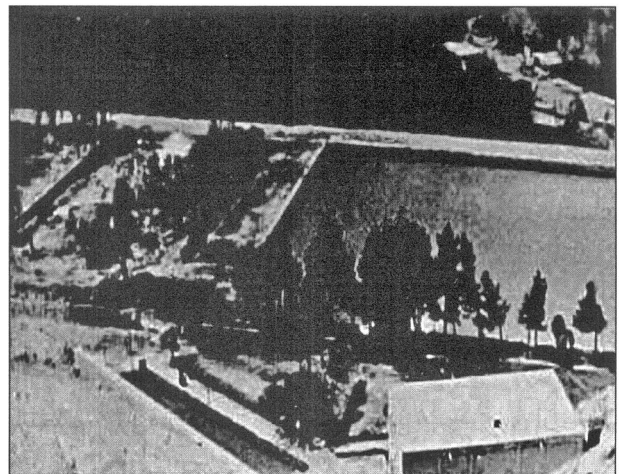
اما در برهه ای از زمان عمارت ایستائی خود را از دست داده و مخاطره آمیز می گردد، ستون ها و سر ستون ها ناپدید شده و به جای آنها ستون های چوبی ساده ای جایگزین می گردند. این تغییر، قبل از سال ۱۹۲۶ روی داده است و می تواند در اثر حوادث قبل از جنگ جهانی اول اتفاق افتاده باشد.^(۵)

کرمانشاه تا سال ۱۹۱۶ در دست ترکان بوده است (بامشاورین آلمانی): سپس به دست انگلیسی ها و متعاقبا به دست روس ها افتاده است. امکان دارد که در این مدت ساختمان متحمل خساراتی شده باشد. در سال ۱۹۲۷/شمسیت اقدام به برداشت عکس های هوائی از عمارت می نماید که در این عکس ها ستونهای چوبی رواق قابل تشخیص می باشند، بام آن تخت و تنها یک خر پشته دارد.^(۶) (تصویر ۵).

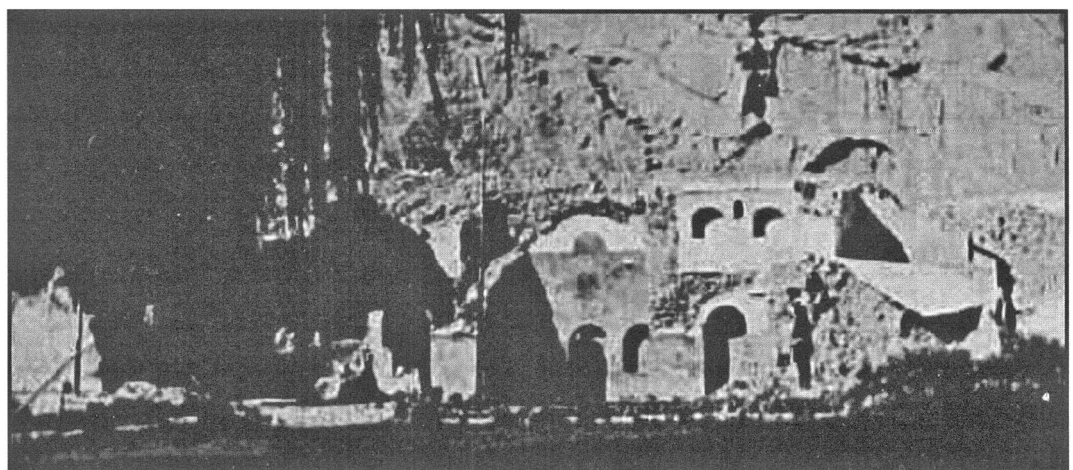
در تعمیرات بعدی سقف بنا را شیروانی می نمایند، در طبقه ی فوقانی پنجره های بالائی را نیز مسدود می نمایند. در سال ۱۹۶۱ بنا را بدین شکل مشاهده و عکس برداری کردم. در این زمان عمارت قاجاری به یک استراحتگاه بیرون شهر تبدیل شده بود، (تصویر ۲) هیچ اثری از سر ستون های شبه ساسانی یعنی سر ستونهای بکار رفته در بنا که با تقلید از



تصویر ۵- عکس هوایی از طاق پستان از E.F Schmidt در ۱۹۳۷



تصویر ۶- قسمت پشت عمارت (دید از بالا) عکس از مؤلف ۱۹۶۱



تصویر ۷- تخریب عمارت. عکس از مؤلف ۱۹۶۳

سرستون های ساسانی ساخته شده باشند به غیر از عکس های قدیمی باقی مانده است که به هر حال سر ستون ها در این عکس ها خیلی هم واضح نیستند. شخصا اعتقاد دارم که این سر ستون ها یکی از شواهد اولیه علاقه مندی به تاریخ و گرایش به استفاده از فرم های باستانی می باشد که می توانیم آنرا در هنر قاجاری شاهد باشیم. فتحعلی شاه تصویر خود را در پایین نقش بهرام گور در ری به نمایش گذاشته است. متأسفانه

نقش بهرام گور را که جهانگردان قدیمی دیده و توصیف نموده اند اکنون به کلی از بین رفته است.⁽⁷⁾

نقش قاجاری نیز که کمی از آن هنوز قابل رؤیت است در اثر انفجاری که بین سالهای ۱۹۰۶ تا ۱۹۶۱ رخ داده به شدت آسیب دیده است. نقش برجسته دیگری از دربار فتحعلی شاه در چشمه علی ری هست که از نقوش ساسانی تأثیر پذیرفته است.⁽⁸⁾

در هر صورت این ساختمان همانگونه که در توضیحات اشاره شد تأثیر پذیری بسیار و ارتباط تنگاتنگی با آثار ساسانی دارد.

اما در مورد بانی بنا و نسب وی *هرتسفلد* اطلاعات بسیار جامعی ارائه داده است. در سال ۱۸۴۰ *فلاندن* (Flandin) و *کست* (Cost) نقشه ها و تصاویری از طاق بستان جهت تدوین تاریخ هنر تهیه کرده بودند⁽⁹⁾ که *هرتسفلد* در تصاویر ۳۴ و ۳۵، پلان و مقطع این محوطه تاریخی را مجددا نشان داده است (همان طرح را مجددا به چاپ رسانیده است). از این تصاویر در اینجا پلان طاق بستان را که *هینز* مجددا به دقت ترسیم نموده است ملاحظه می نمائید. (طرح ۴).

هرتسفلد طرح دیگری از طاق بستان را که *فلاندن* و *کست* ترسیم نموده اند، در کتاب خود آورده است. (طرح شماره ۳).

این طرح را هم *هینز* با دقت دوباره ترسیم نمود (در اینجا طرح ۵) از این تصاویر نتیجه می گیریم که عمارت قاجاری در ۱۸۴۰ هنوز وجود نداشته است. *هرتسفلد* در طاق بستان مطالعات خود را تنها محدود به شناسائی بانی ایوان بزرگ خسرو دوم ننموده و به معرفی بنیانگذار عمارت قاجاری نیز موفق گشته است.

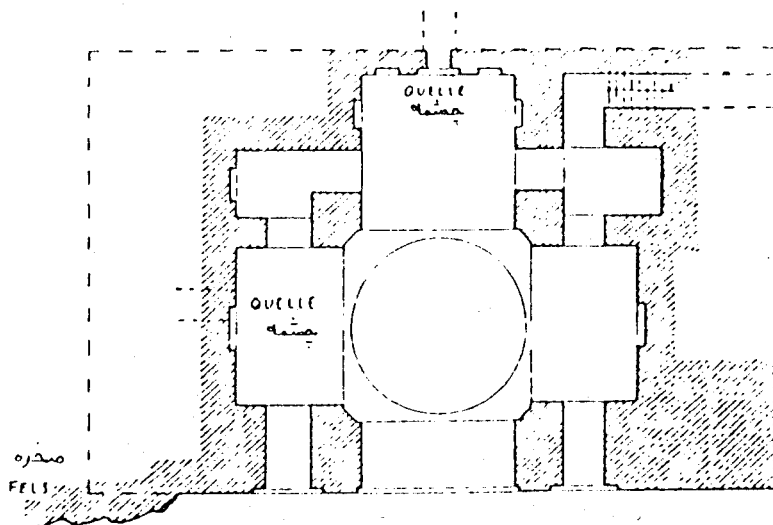
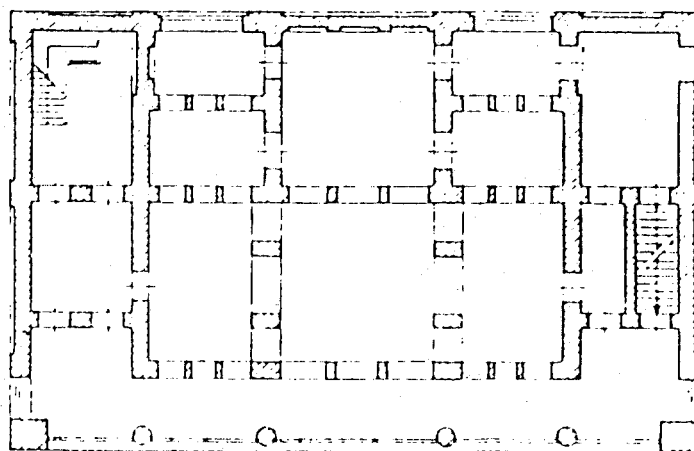
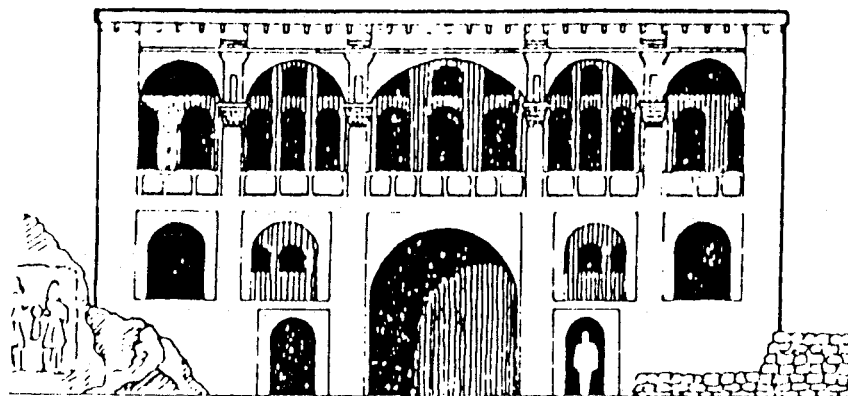
وی در صفحه ۵۸ و با ارجاع به تألیف *کرزن* (N. Curzon)⁽¹⁰⁾ در آنجا که به توضیح اوضاع و احوال تاریخی در آغاز قرن نوزدهم می پردازد، می نویسد: « یک عمارت کلاه فرنگی که بانی آن مرحوم وکیل الدوله است».

کرزن حکایت می کند که فتحعلی شاه فرزند ارشدش محمد علی میرزا را به سمت حاکم کرمانشاه منصوب می کند، فرزندی که از حق جانشینی پدر محروم شده بود. (با ارجاع به منبعی⁽¹¹⁾ دیگر تاریخ انتصاب را ۱۸۰۶ ذکر می نماید).

پس از محمد علی میرزا فرزندش امامقلی میرزا ملقب به عماد الدوله حکومت کرمانشاه را به عهده می گیرد (از ۱۸۵۱ تا ۱۸۷۲) (پانویس ۱۱). این همان کسی است که عمارت را بنا می نهد، بعدها وکیل الدوله صاحب آن می گردد *هرتسفلد* به درستی وی را (وکیل الدوله را) مالک بنا معرفی می کند نه بانی آن، در حالی که *کرزن* وی را سازنده بنا می داند و چنین ادامه میدهد: مردی از بغداد به نام حاجی آقا محمد حسن که *سرهنری راولینسون* (Sir H. Rawlinson) وی را از بغداد به ایران آورد، اکنون نماینده منافع بریتانیا در کرمانشاه است.⁽¹²⁾

اگر چه محمد علی میرزا فرزند ارشد فتحعلی شاه بوده است با این وجود برادر کوچکترش عباس میرزا به ولیعهدی انتخاب گردیده بود، سبب آن اصیل زاده نبودن وی از طرف مادر بوده است، وی همواره برای عباس میرزا به عنوان یک رقیب باقی مانده بوده است. با ارتشی که به وجود آورده بود، بارها بر ترکها پیروز گردیده بود.

نقش برجسته وی که در سال⁽¹³⁾ ۱۸۲۲ (۱۲۳۷ ق) بی ظرافت در قوس ایوان بزرگ و بالای صحنه شکارگراز به تصویر کشیده شده است، شاهدهی است بر مدعی بودن وی در جانشینی پدر، به ویژه آنکه خود را شبیه فتحعلی شاه بر تخت سلطنت نشان داده است. وزیر و دو تن از پسرانش نیز در این نقش برجسته دیده می شوند، احتمالاً پسر بزرگتر باید همان امامقلی میرزا بانی بنای مورد بحث ما باشد. این نقش برجسته که به همان اندازه و بزرگی خسرو و دوم حجاری شده است باز هم قدرت طلبی او را می رساند. در نوشته های حجاری شده (قرائن P. Luft) محمد علی میرزا آنچنان به



0 5 10 M ۱۸۸ ۷۹
NACH F. HINZEN

طرح ۱-۳: عمارت قاجاری در طاق بستان

۱- طبقه همکف

۲- طبقه اول

۳- نما (طرح بازسازی)

طرحهایی که Kliess در سال ۱۹۷۹ بر مبنای کار Hinzen (که در سال ۱۹۶۳ انجام داده بود). با بازنگری و دقت بیشتر

بزرگی وصف شده که خسرو پرویز آروزی درباری او را دارد!^(۶)

تصور می‌کردم که این حاکم در مقام مقایسه خود با خسرو دوم برآمده است، همانند یک ساسانی جدید! اما غرور و خودستایی وی به آنجا میرسد که شاهنشاه ساسانی را دربار خود می‌خواند، آنهم پادشاهی که شهرتش قرون و اعصار را در نور دیده است، می‌توان گفت که این یکی از شواهد بسیار نادر در زمینه خودستایی است.

وی در ساحل رودخانه^۶ قره سوکاخی بنا نهاده بود که به عمادیه معروف بوده است.^(۷) کرزن^(۱۴) آنرا در زمانی که روی به ویرانی نهاده بود مشاهده کرده است، من اثری از آن نیافتم، محل آن احتمالاً نزدیک به دو راهی است که از سمت جنوب به کرمانشاه و از شمال به طاق بستان منتهی می‌گردد.^(۸)

بهتر می‌بود که در این جایگاه، محمد علی میرزا خود را به عنوان دربار ساسانی بزرگ معرفی می‌نمود! اما فرزند وی امامقلی میرزا بانی عمارت طاق بستان چگونه خود را در این سنت تاریخی تداوم می‌بخشد؟

لازم است پیش از آنکه وارد مقوله^۶ فرم و ساختار شویم نگاهی به توصیف کسانی که در گذشته از محل و بنا بازدید نموده اند ببیندیم که اکثراً با گزارش و تصویر نیز همراهند، تعداد این گزارش‌ها نیز نسبتاً زیاد است.

در ۱۸۴۰ فلاندن^(۱۵) و کست مطالعات خود را در طاق بستان شروع کرده بودند. فلاندن به نقش برجسته ی محمد علی میرزا که بخش زیادی از رنگهای آن به خوبی حفظ گردیده است اشاره می‌نماید: «این [نقش برجسته] اصلاً جالب نیست!»^(۹)

چشمه در آنزمان روباز بوده و تنها پل کوچکی در روی آن ساخته شده بوده است؛ آب هم مستقیماً از مقابل دو ایوان ساسانی می‌گذشته است (طرح‌های ۴ و ۵).

برای تعیین تاریخ ساخت بنا میتوانیم داده‌ها و مآخذ زیر را مورد بررسی قرار دهیم:

در زمانی که مسلماً پس از سال ۱۸۴۰ می‌باشد به دستور امامقلی میرزا ملقب به عماد الدوله عمارت مذکور

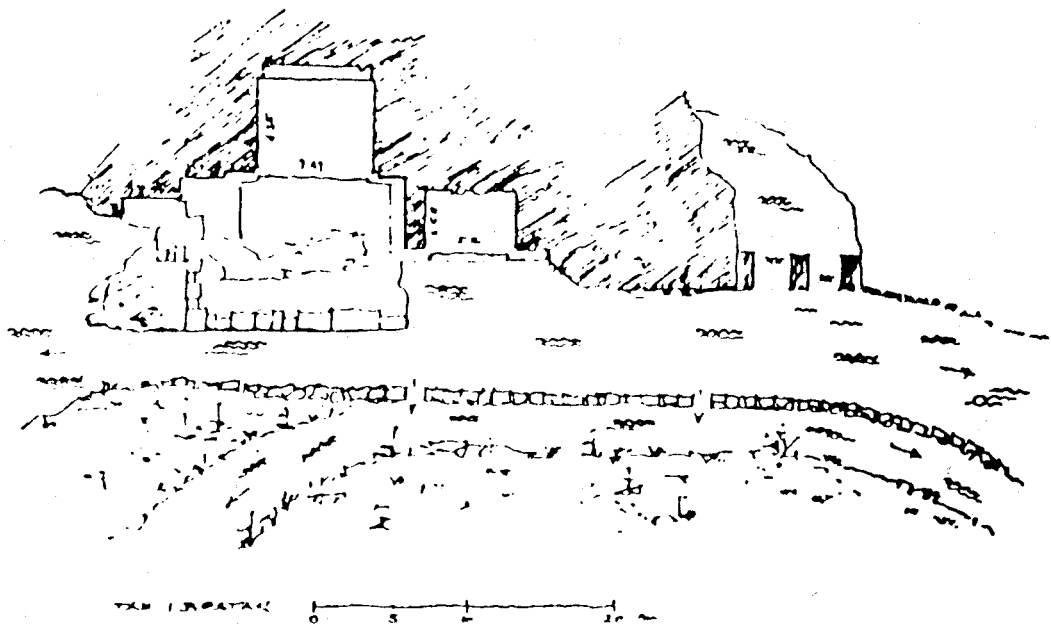
درست در روی چشمه بنا می‌گردد.

وی در سال ۱۸۵۱ به حکومت کرمانشاه منصوب شده است. در ۱۸۵۴ پترمن^(۱۶) (H. Peterman) در توضیحات دقیق خود از طاق بستان نامی از این بنا نمی‌برد، در حالیکه اگر عمارت در آن زمان وجود می‌داشت وی به طور یقین آنرا هم مانند نقش برجسته محمد علی میرزا که در ایوان بزرگ حجاری شده است مورد انتقاد قرار می‌داد به ویژه آنکه ساختمان بدون فاصله و به بیانی دیگر چسبیده به نقش اردشیر ساخته شده بوده است (در این نقش برجسته تصویر سه نفر به اندازه‌های طبیعی حجاری شده است). بنابراین سال ۱۸۵۴ متقدم بر تاریخ ساخت بنا می‌باشد. ضمناً در سال ۱۸۵۴ پترمن از سر ستونهای ساسانی که هنوز در بیستون هستند یاد می‌نماید (به پانویس ۱۶ توجه شود). تاریخ دیگری که می‌توانیم به دست آوریم از گزارش سفر شوالیه لیک لاما آنیژه هولت (Chevalier T.M. Lycklama a Nijeholt) می‌باشد. وی در سال ۱۸۷۶ از طاق بستان دیدن نموده است و اولین کسی می‌باشد که به توصیف بنا پرداخته است:

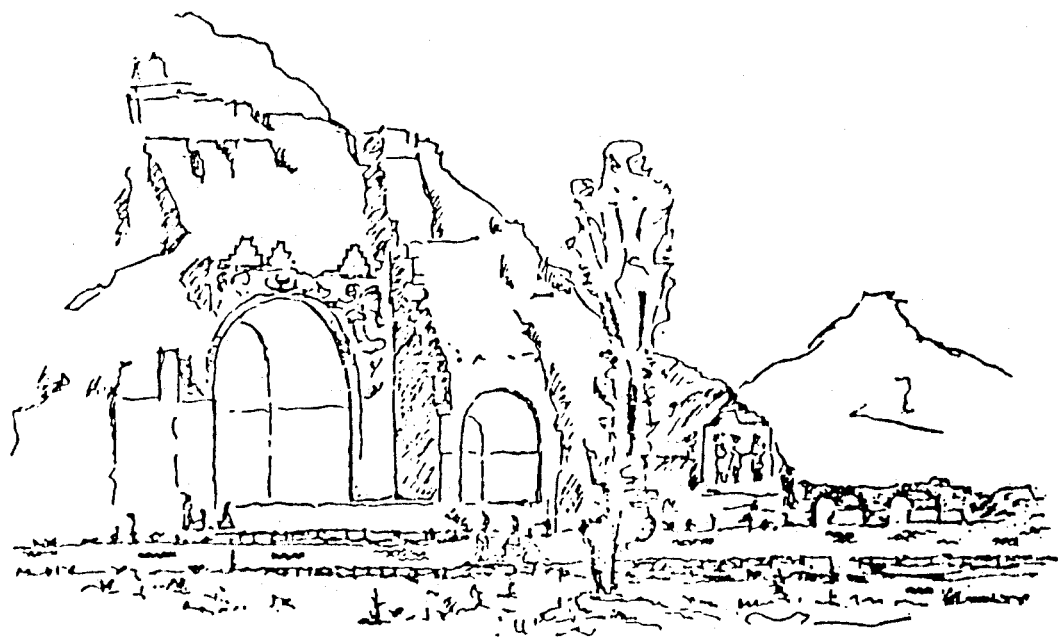
^(۱۱) «من فقط چند کلمه در مورد عمارت کوچکی که شاهزاده^۶ حاکم در جنب صخره و روی چشمه^۶ طاق بستان بنا نهاده سخن می‌گویم، این آبهای پرخروش که در دهلیزهای آن در جریان است در واقع طبقه ی همکف آنرا تشکیل می‌دهد. این بنا بیشتر به یک کلاه فرنگی با نمک شبیه است تا به یک اقامتگاه کامل. در مقابل ساختمان و غارها چیزی که شکل گرفته یک حوضچه ساده نیست بلکه استخری بسیار زیباست که دیواره‌های آن با آجر پوشانیده شده و آبهای درخشنده بدان روح داده‌اند. این استخر منحصر به فرد در باغی احاطه شده که همواره و به وفور از این آب مشروب میگردد.»^(۱۷)

کورت اردمن (Kurt Erdmann) تأکید می‌کند که مؤلف مذکور نامی از سرستونهای ساسانی نه در بیستون و نه در طاق بستان برده است:

«نتیجتاً سر ستون‌ها را یا از محل اصلی دور کرده و یا اینکه آنها را مخفی نموده‌اند.»^(۱۸)



طرح ۴- طاق بستان در سال ۱۸۴۰ (پلان) از Flandin و Caste، به نقل از کتاب، مسافرت در ایران) ترسیم مجدد از F. Hinzen در سال ۱۹۶۳



طرح ۵- طاق بستان در سال ۱۸۴۰ (نمای منظری - محوطه) از Flandin و Coste به نقل از کتاب "مسافرت در ایران" ترسیم مجدد از F. Hinzen در ۱۹۶۳.

خیاش در ۱۸۷۸ اولین کسی است که دوباره در مورد سر

ستون ها صحبت می نماید و پس از آن در ۱۸۸۵ *دمورگان* (De Morgan) به آنها می پردازد اما در مورد منشاء آنها توضیح روشنی نمی دهد. به نظر خیاش منشاء و مولد سر ستون ها قصر شیرین میباشد در حالیکه *دمورگان* عقیده دارد که در هنگام خاکبرداری جهت ایجاد استخر، در طاق بستان کشف شده اند.^(۱۹) اینجا در مقابل یک راز قرار داریم: سر ستون هایی که جهانگردان اروپایی تا قرن هجدهم در بیستون دیده و توصیف نموده اند به یکباره از ۱۸۵۴ برای مدت سه دهه از نظرها مخفی شده، سپس در طاق بستان پدیدار شده اند. همین نظرات است که *هرتسفلد* را به یک نتیجه گیری غلط رهنمون می سازد، وی معتقد است که منشاء آنها بطور یقین طاق بستان است.

چه کسی آنها را به طاق بستان آورده است؟ و به چه دلیل؟

اگر به رفتار پدر عماد الدوله یعنی محمد علی میرزا در مواجهه با تاریخ بیندیشیم و اگر عمارت مذکور را با سر ستون های آنها که بسیار شبیه به سر ستون های ساسانی می باشد در نظر بگیریم و همچنین با توجه به گفته های^(۲۰) پترمن در مورد خصوصیات این شاهزاده و حاکم مقتدر که یک کلکسیونر و علاقمند به آثار عتیقه بوده است، به حدی که به جای استفاده از مهرهای مرسوم زمانه از یک مهر ساسانی استفاده می کرده است و نیز با مد نظر قرار دادن اینکه پترمن با هدف گردآوری آثار ساسانیان جهت موزه برلن به ایران آمده و به محض اینکه وارد معامله یک محموله بزرگ از سکه ها و دیگر آثار ساسانی می شود، وی از این معامله جلوگیری می نماید. دیگر شکی باقی نمی ماند که این امامقلی میرزای حاکم است که سر ستون ها را از بیستون به طاق بستان آورده تا آنها را در بنای مورد علاقه اش به کار گیرد.

تنها پس از عزل وی در ۱۸۷۲ و یا بهتر بگوئیم پس از انتصاب مجدد او در ۱۸۷۵ به حکومت کرمانشاه و پس از آنکه عمارت مذکور به تملک مأمور با نفوذ انگلیسی که کرزن و *هرتسفلد*^(۲۱) از وی نام برده اند یعنی آقا حاجی محمد حسن ملقب به وکیل الدوله در می آید می بینیم که این سر ستون ها

دوباره پدیدار می شوند و از آن زمان جهانگردان و پژوهشگران تا به روزگار ما به توصیف، تحقیق و بررسی آنها ادامه داده اند.

اما دلیل انتقال آنها را از بیستون به طاق بستان هرگز کسی جویا نشده است. به نظر می رسد که علاقه به تشکیل جائی شبیه به موزه برای نجات یک اثر تاریخی از یک دهکده دور افتاده نقش به مراتب کوچکتری نسبت به شوق وافر و شگفت انگیز یک حاکم مجموعه دار جهت تکمیل مجموعه خود داشته باشد.

همین مسأله در مورد پیکره ای به اندازه ای بزرگتر از مقیاس طبیعی، متعلق به یک شاهنشاه ساسانی نیز صدق می کند که از قرن ۱۸ آنرا در آب انداخته و معتقد بوده اند که خود فرهاد است که به سنگ مبدل شده است و آنرا یک شیئی جادویی شگون آور برای چشمه طاق بستان می دانستند.^(۲۲)

در ۱۸۴۰ زمانی که فلاندن از طاق بستان دیدن می کند و پس از آن نیز در ۱۸۶۷ وقتی که لیک *لاما آنیتره هولت* آنرا مشاهده می کند مجسمه هنوز در داخل آب قرار داشته است. فقط در ۱۸۷۸ است که آنرا در روی زمین می یابیم، همچون یادمانی پر ارزش که در اینجا بی مقدار در کنار سر ستون های بیستون افتاده است، البته به نظر می رسد این ترتیب و جایجائی آگاهانه صورت گرفته باشد.^(۲۳)

در مورد سومین سر ستون ساسانی در بیستون نیز همین اتفاق روی می دهد، در سال ۱۹۰۵. من (O. Mann) سر ستونی را در بیستون کشف می کند که تا ۱۹۱۷، ۱۹۱۶ زمانی که *هرتسفلد* آنرا گزارش می کند هنوز در جای اولیه خود قرار داشته است.^(۲۴)

ظاهراً در سالهایی از دهه ۳۰ از قرن حاضر از بیستون به طاق بستان انتقال داده شده اند. یکی از سالخورده ترین افراد قریه بیستون به نام آقای قاضی زاده توانست جای اصلی سر ستون را به من نشان دهد. این محل واقع در باغی در جنوب کاروانسرای قدیمی می باشد. به این صورت طاق بستان به تدریج به موزه هنر ساسانی تبدیل می گردد.

در ۱۹۶۲ پس از زحمات فراوان، سر ستون قلعه کهنه^(۱) را که *هرتسفلد* در ۱۹۱۶ کشف کرده بود یافتیم. این یک نمونه

5- H . L . Rabino , Kermanshah, Revue de Monde musulmane 38, 1920, P .1

(زمان اقامت : ۱۹۰۵-۱۹۰۲) نمای ساختمان

6- W. P . Cresson, Persia the awakening East (1908)

(زمان اقامت "Some years ago") تصویر مقابل صفحه 179:

"hawking near Kermanshah"

(سه چهارم از ساختمان در عکس دیده می شود) در اینجا

تصویر شماره ۳

7- H . Grothe , Wanderung in Persia (1910)

(ایران

(زمان اقامت ۱۹۰۷)، صفحه ۱۰۷: « در اولین نگاه نمای سفید

یک ساختمان دو طبقه که صخره ها آنرا در بر گرفته اند دیده

می شود، این عمارت در زمینه خاکستری تیره که در آن قرار

دارد درخشان جلوه می کند. یک آقای ایرانی که قبلا بدان

اشاره شد (وکیل الدوله حاجی آقا حسن) این اقامتگاه

تابستانی را حدود ده سال پیش برای خود بنا کرد- که این

تاریخگذاری البته می تواند اشتباه باشد. از توضیحاتی که

کرزن داده است می توان به این خطا پی برد. وی در ۱۸۹۲ به

خوبی از چگونگی ساختمان اطلاع داشته است.

8- E. F . Herzfeld, Am Tor von Asien (1920)

(دروازه آسیا)

در اینجا تصویر شماره ۱- (زمان برداشت عکس : ۱۹۱۳)

(به پانویس 5 نگاه کنید) 9- F. Rosen . Persien

صفحات 202 و 200 چاپ مجدد از تصویر ایوان های

ساسانی و عمارت قاجاری ، یک تصویر مربوط به زمانی

است که ستون های اصلی هنوز وجود داشته اند، تصویر

دیگر عمارت را با ستون های چوبی نشان می دهد.

10- E . F . Schmidt

صفحه ۸۰ (عکس مربوط به ۱۹۲۷ می باشد.)

(به پانویس 6 نگاه کنید) تصویر ۹۵ و ۹۶

"modern building and recently arranged gardens"

در اینجا تصویر ۵

11- L. I . Ringbom Paradisus terrestris

صفحه ۲۴۸ (۱۹۵۸) شکل ۱۸۲ عطف به تصویر ۲۸ از

Herzfld

بسیار زیبا و شکوهمند با نقوش گل و گیاه است که بدبختانه
نیمی از آن شکسته و از بین رفته است، اکنون تمام فکرم
اینست که چگونه می توان آنرا به طاق بستان رسانید.⁽²⁵⁾

با تشکر از کمک کلیس این مسئله حل شد همینطور
سرستون وندرنی^(۱۲) و سر ستون دیگری که بدون نقش می
باشد ودر بیستون در ملک آقای قاضی زاده قرار داشت، به
طاق بستان حمل گردیدند.⁽²⁶⁾

در ۱۹۶۳ پیشنهاد ایجاد یک موزه روباز را در طاق بستان
نمودم.

سرنوشت این مکان در طی تاریخ بدی^رنه رقم زده شده است
که محلی برای گردآوری آثار و شواهد آخرین دوره بزرگ
ساسانی باشد که البته در راستای احترام و قدرگزاری از این
آثار و نه به خاطر نخوت و فخر فروشی.

بر می گردیم به عمارت قاجاری، تاریخ ساخت بنا را با
عنایت به کتاب لیک لاما آئیژه هولت می توانیم تعیین کنیم که
آن زمانی است بین ۱۸۵۴ تا ۱۸۶۷، پس از این کتاب، روایات،
تصاویر و توضیحاتی که در مورد ساخت بنا در منابعی که
در ذیل بدانها اشاره می شود برای ما از اهمیت زیادی
برخوردارند :

1- Curzon, Persia and The Persian Question I
قضیه ایران/ 1892 جلد اول، صفحه 559، (1892)

3- F. Sarre in : Sarre / Herzfeld , Iranische Felsreliefs
(1906)

(زمان اقامت : ۱۸۹۷/۹۸ و ۱۸۹۹/۱۹۰۰) (صفحه ۱۹۹)،

(شکل ۹۲) و (لوحه ۳۶) « یک ساختمان مدرن که ویلای

شخصی ثروتمند از ساکنین کرمانشاه به نام وکیل الدوله می

باشد در نزدیکی نقش برجسته اردشیر واقع است که ساختار

آن جالب به نظر می رسد.» لوحه ۳۶ اولین تصویر از روبروی

این عمارت با دریاچه در مقابل آن می باشد.

4- A. V . W . Jackson, Persia Past and Present

صفحه 215 (1906)

(زمان اقامت : ۱۹۰۳) تصویر مقابل صفحه ۲۲۰ (در این

عکس سه چهارم از بنا دیده می شود) :

"A Comparatively modern two Story building
belonging to thd Vakil ad – Daulah Stands as a Pavillon
on the edge of thd Pond at the Point where the water
rushes into it".

12- L. Vanden Berghe , Archeologie de l' Iran Ancien, Herzfeld
صفحه ۱۰۲ ، تصویر C ۱۲۶ عطف به تصویر ۲۸ از Herzfeld (1959)

13- J. I. Clark, , Kermanshah an Iranian Provincial City (1969)

صفحه ۱۹، در خصوص محمد علی میرزا و امامقلی میرزا

14-Priscilla P. Soucek , Studies Presentde to R. Ettinghausen.

صفحه ۲۸ ، یادداشت ۷، نام بانی (سازنده) : امامقلی میرزا فرزند محمد علی میرزا ملقب به عماد الدوله. Herzfeld را مورد انقاد قرار می دهد.

15-Muthmann , Mutter and Quelle. Studien Zur Quellenvermehrung im Altertum und im Mittelalter (1975)

(پژوهش در مورد مآخذ و منابع عهد باستان و قرون وسطی) صفحه ۲۲۵ ، زیر نویس ۲۲۱.

آنچه را که فکر می کنیم در مورد تاریخ ساختمان این بنا بدانیم چنین است :

- ساخت بنا بین سالهای ۱۸۵۴ تا ۱۸۶۷ انجام یافته است.

- جایگزین شدن ستون های اصلی و طاق های طبقه اول با ستون های چوبی ساده پس از جنگ اول.

- پس از آن بنا مورد مرمت هائی قرار گرفته است و بالاخره در سال ۱۹۶۳ تخریب گشته است.^(۱۳)

پرسش بعدی مربوط می شود به فرم معماری بنا. مسلما توضیح جایگاه آن در سنت معماری ایران آنهم در مکانی مانند طاق بستان البته کار آسانی نیست. بخصوص آنکه پژوهش در مورد خانه ها و کاخ های ایرانی هنوز مراحل اولیه را می گذراند. چند پژوهش مهم انجام گرفته که آنها نیز فاقد یک دید کلی و همه جانبه می باشند.^(۲۷)

به نظر می رسد که ساختمان ما ادامه یک سنت صفوی باشد؛ تکنیک ساخت آجر، نوع معماری طاق ها، ویژگی دسترسی ها و عملکرد بنا که با سلسله صفوی نضج گرفته است، دال بر این نظریه است. این معماری در اروپا تنها در سال ۱۸۳۵ با

آکادمی معماری شینکل (Schinkel) در برلن پا گرفت.^(۲۸)

کاخ های اصفهان مشخصا دارای رواق هائی هستند که با ردیفی از ستون رو به فضای بیرون دارند، همانند چهل ستون، آئینه خانه و با شکلی متفاوت تر هشت بهشت، در برخی از کاخ ها مانند عالی قاپو این رواق و ستون ها به طبقه فوقانی انتقال داده شده است.

خانه های مسکونی ثروتمندان که بیشتر در مرحله ارمنی نشین جلفا به چشم می خورند و نظیر آنها را با تشابهی خاص تنها در بغداد می توان یافت.^(۲۹) دارای همین ایوان ها می باشند که با سقفی تخت بر ردیفی از ستون قرار گرفته اند. در معماری نمای دو طبقه ی کاخ ها و ساختمان های با فرم کلاه فرنگی که از بین رفته اند آسانتر می توان دریافت که این نوع بنا را برای لذت بردن از یک چشم انداز زیبا خلق می نموده اند.

پیتر و دلواله (Pietro della Valle) در مورد کلاه فرنگی شمال می نویسد :

« تنها به همین منظور ساخته شده است تا آنکه بتوان از بالا به پایین به تمام چشم انداز نگاه کرد.» چنین اند عمارات منظری با فرم کلاه فرنگی در شمال و در جنوب چهار باغ که مفهوم تاریخی- معماری آن به سختی قابل درک می باشد.^(۳۰)

پاویلون مرکزی پل خواجه به نظر می رسد که از نظر فرم و عملکرد نمونه درست عمارت طاق بستان باشد.^(۳۱)

نمای این ساختمان ها به « چشم انداز » و به آب مرتبط و وابسته اند، در مورد پاویلون پل خواجه ارتباط و وابستگی به حد تمام و کمال می باشد؛ گوئی در تبعیت و تجلیل و تهییج از عنصر آب، همانند موسیقی نوای آب در روان هندل (Handel) می باشند. جالب توجه است که سیاحان قرن هفدهم به درک این مسئله نائل آمده بودند که آب این نیروی منفرد اعم از رودخانه و پل و یا شاخه ای انحرافی از یک رودبار و یا آبشار، در اینجا یک اثر هنری یکپارچه ای را به وجود می آورد که تعلق به روحی انسانی و شاعرانه داردکمپیر^(۳۲) (E . Kampièr) تمام این ها را توصیف نموده،

و به تصویر کشیده است، همین طور *شاردن* (Chardin) و سپس در سالهای هفتاد و هشتاد قرن نوزدهم تنها *هولزر* (E. Holzer³³) به این مطلب پرداخته است. پس از آنها به نظر می رسد که دیگر کسی این نیروی هنری در سیستم آب ها را درک نکرده باشد.

من زمانی در سال ۱۹۶۳ آنرا تجربه نمودم و عکس هائی نیز تهیه کردم، که چگونه آب رودخانه از شاخه ای انحرافی، پله هائی را که آگاهانه تعبیه نموده بودند می پیمودند و سپس به شکل بادبزی بزرگ درآمده براه خود ادامه می داد. متوجه شدم که در اینجا نیاز عملی به استفاده از آب، هدایت و جمع آوری آن با ذوق و قریحه هنری در هم آمیخته تا در یک اثر هنری تجلی نمایند که برابر است با تمام نمایش های آبی در عصر باروک در اروپا و حتی شاید چیزی بالاتر از آن، زیرا بیچ سلطان اروپائی این جرأت را به خود نداده است تا رودخانه ای را یکجا در نمایش های بازی با آب به کار گیرد.⁽³⁴⁾

امامقلی میرزا بانی عمارت طاق بستان بسیار حساس و علاقمند به این نوع از هنر بوده است، عمارتی را که بنا نهاده این را به خوبی آشکار می سازد. با این وجود همانگونه که در آغاز این مقاله اشاره کردم نمی خواهیم این را مخفی کنیم که وی از کاخ های ونیزی نیز به عنوان الگو الهام نگرفته باشد. عمارت قاجاری طاقبستان بر روی چشمه ای ساخته شده بود که در عین حال آنرا در خود محصور می داشت. معماری به این چشمه شکلی ویژه و منحصر بفرد داده بود. عمارت با تکیه بر یک سنت کهن ایرانی برپا شده بود، همان سنت چشمه های مقدس و زیارتگاهی، بسیار با اهمیت در عصر ساسانیان، در این خصوص می توان به زیارتگاه تخت سلیمان اندیشید، همچنین بسیاری از نقش برجسته های ساسانی که در جوار چشمه ها حجاری شده اند، مانند داراب، برم دلك، نقش بهرام و یا زیارتگاه هائی که در نزدیک جریانی از آب قرار داشتند همانند فیروز آباد، بیشاپور، گویم⁽³⁵⁾ و باز هم در غار ساسانی در طاق بستان، آنها را الهه آبها به تصویر کشیده شده است.

کاخ های ساسانی نیز اغلب وابسته و در رابطه با چشمه

ای هستند، در مقابل قصر اردشیر در فیروز آباد یک دریاچه خودجوش وجود دارد که با سلیقه ای که خاص این نوع معماری است، ساماندهی و حدبندی شده است. در بیشاپور⁽³⁶⁾ نیز همین موضوع تکرار شده است. در سروستان نیز به نظر می رسد که یک چشمه وجود داشته است. در بیستون پروژه معماری در رابطه با دریاچه خودجوش بوده است، آنها را به همین دلیل بر سر ستون های بیستون به تصویر کشیده شده است حال قرار است از این موقعیت استفاده شود و مسئله ساختار چشمه طاق بستان در عصر ساسانی روشن گردد. اما نه تخریب عمارت قاجاری و نه پژوهش های اخیر کمکی به روشن شدن قضیه نموده اند. نخست سعی می کنیم بر مبنای آنچه که *کست* و *فلاندن* یافته و ترسیم نموده اند، موقعیت را تفسیر نمائیم.

فلاندن از چشمه های متفاوتی صحبت می کند (به پانویس 15 نگاه کنید) و در شکل شماره ۴ در مقابل دو ایوان و نقش برجسته اردشیر آب را در همه جا می یابیم. علامت چشمه در چهار جا دیده می شود، یکی در شمال و در مقابل ایوان بزرگ یکی در مقابل ایوان کوچک، یکی در مقابل نقش برجسته اردشیر و بالاخره یکی در همان محل که ساختمان قاجاری بر روی آن احداث گردیده بود.

چشمه شمالی را هنوز می توان مشاهده کرد، دومین چشمه دیگر وجود ندارد، سومی با وجود آنکه بخش کمی از آن در زیر نقش برجسته اردشیر دیده می شود هنوز قابل رؤیت است.⁽³⁷⁾ و قطعاً چشمه اصلی در جنوب که ساختمان روی آن بنا گردیده بود.

اگر در آن ادوار چنانچه دریاچه ای مصنوعی وجود می داشته، در این نقشه چیزی از آن مشخص نمی باشد و به نظر می رسد که جریان های آب هر یک به راه خود می رفته اند. در سال ۱۸۶۷ *لیک لاما آئیتره هولت* دوباره دریاچه ای مصنوعی را مشاهده می نماید.

اگر از سال ۱۸۴۰ به زمان های متقدم تر برگردیم به *اولیویه* (G. A. Olivier) بر می خوریم که در ۱۷۹۶ از محل بازدید نموده است، وی ناظری دقیق بوده است:

« در چند پائی کوه دو چشمه قابل ملاحظه که بسیار پر آب و

خنک هستند وجود دارد که در زمین های اطراف پراکنده شده تشکیل باتلاقی را می دهند و سپس در بستری جریان می یابد تا به رودخانه کوچک قره سو موجودیت بخشند.^(۱۲)

«در اطراف این چشمه و کمی دورتر در مزرعه، سنگهایی بریده شده به شکل مکعب مستطیل دیده می شوند که ظاهراً بقایای یک استخر (مخزن) می باشند، هنوز نشانه هائی از آن قابل شناسائی اند» (38) (۱۵)

در طول سفرهایم به طاق بستان دیوارهایی را در غرب دریاچه خودجوش ملاحظه نمودم که برخی از آنها بسیار قدیمی به نظر می رسند، البته عکس هائی که من گرفتم خیلی خوب و کافی نیستند تا بتوان از آنها برای دستیابی به تاریخ ساخت دیوارها استفاده نمود.

من فکر می کنم از مشاهدات *اولیویه* می توان به وجود یک دریاچه خود جوش در زمان ساسانیان که مصنوعاً طراحی شده باشد معتقد بود.

به ساختمان قاجاری باز می گردیم، آب به ویژه در ایران یک عنصر ارزشمند می باشد، در اینجا در هر دوره ای آب نقش مهمی را بازی کرده و متعلق به باغ ها و قصرها است همان گونه که *ویلیبر* (D. N. Wilber) به خوبی بیان نموده است:

این باغ ها تصویری از بهشت هستند یا اینکه سعی دارند تصویری از بهشت باشند. کسی که این کشور را می شناسد و بدان علاقه دارد، در زندگی با بیابان و طوفان های شن می داند که تا چه اندازه عنصر آب مهم و حیاتی است.

بناهای دوره صفوی همواره در برگیرنده پدیده آب می باشند، گاه بصورت استخر و آبگیر و گاه حوض و فواره. برای مثال حوض تراس^(۱۶) عالی قاپو را در اصفهان به خاطر بیاورید، همان ساختار را در رواق های چهل ستون و به طور اخص در هشت بهشت می یابیم.

در این عمارات حوض و فواره به عنوان قلب ساختمان در نظر گرفته شده اند.⁽³⁹⁾

در مدرسه مادر شاه هم جریان آبی که حیاط و باغچه را طی می نماید عنصری اصلی و بنیادی است. در کاروانسرای مجاور نیز جریانی از آب همین نقش را دارد. این کاروانسرا

بعدها به «هتل شاه عباس» تبدیل گردید.⁽⁴⁰⁾

ماکسیم سیرو (M. Siroux) را در سال ۱۹۶۱ در حالی که مشغول تغییر کاربری کاروانسرا بود ملاقات نمودم، وی می گفت: مجبور بودم این کانال را که خیلی هم تمیز نبود بپوشانم و روی آن حوضی بیندازم به نحوی که فرم معماری آن حفظ گردد.

با دقت نمودن کاخ های شناخته شده در اصفهان و همچنین خانه های مسکونی که آنها را توانستیم تنها در جلفا ببینیم، در معماری خود پدیده آب جاری را گنجانیده اند.

یکی از نمونه های بسیار زیبا از پیوستگی ساختمان و چشمه آب، باغ فین در نزدیکی کاشان است. معرف جوهر هنر ایرانی در طراحی باغ می باشد، «نیایش در برابر درختان و آب عنصر زندگی بخش»⁽⁴¹⁾

اگر چه فتحعلیشاه مجبور به نوسازی آن شد با این وجود از مانییریسیم^(۱۷) قاجاری چیزی به چشم نمی خورد، بلکه تنها هماهنگی متداول در معماری صفوی قرن هفدهم^(۱۸) بر آن حاکم است که با کیفیت معماری ایتالیائی در خصوص طراحی باغها برابری دارد. تنها مشکلی که می ماند پی بردن به چگونگی اختلاط، تلفیق و تأثیر گذاری های گوناگون است. این رسم در عصر قاجار و تا به روزگار ما نیز به موجودیت خود ادامه داده است. در باغ ارم شیراز یک حوض و یک فواره را در سالن طبقه همکف می یابیم.⁽⁴²⁾ نظیر این حوضخانه^(۱۹) هنوز در منزل مسکونی دوستان گرانقدر ما محسن و سلما مقدم^(۲۰) حفظ گردیده است که مربوط به اواخر قرن نوزدهم می باشد.⁽⁴³⁾ آیا در اینجا صرفاً صحبت از اشتیاق به استفاده از هوای مطبوع و نسیم خنک «در یک فرهنگ بورژوازی متأخر» است یا آنکه زنده نمودن خاطره و یاد چشمه های مقدس باستانی و الهه آناهیتا در میان است؟

بانی عمارت قاجاری طاق بستان همین پرسش را برای خود مطرح می سازد و البته به آناهیتا اهتمام و عنایت می نماید. او حتی چیزی بیش از این انجام می دهد، بدین معنی که سعی در تبیین چگونگی ترکیب اولیه سر ستون های ساسانی را دارد و البته انتقال دادن سر ستون های ساسانی از بیستون به طاق بستان و قرار دادن کپیه آنها در ساختمان

مورد بحث کوشش هائی است که قطعاً باید آنها را جدی بگیریم.

باید در نظر داشته باشیم که ما از چگونگی بکارگیری این سر ستون ها برآستی هیچ و یا تقریباً چیزی نمی دانیم *هرتسفلد* یک جفت از این سر ستون ها را در طاق بستان یافته بود.

کست و *فلاندن* طرح هائی از این سر ستون ها تهیه و محل پیدایش آنها را در بیستون بر روی نقشه مشخص نموده اند. جای بسی شگفتی است که با وجود توضیحات روشن *فلاندن* و *کست*، *هرتسفلد* محل پیدایش آنها را طاق بستان دانسته است. پس از آن با وجود دلایل ارائه شده دیگر از سوی *اردمن* (K. Erdman) او همچنان با سر سختی بر اشتباه خود پافشاری می کرد. وی صرفاً معماری ساده ای را در مقابل چشمه زیارتگاهی طاق بستان تجسم کرده بود، همانند یک پیش آمدگی در مقابل ایوان بزرگ⁽⁴⁴⁾ پنداری که متأسفانه به بیراهه رهنمون می ساخت.⁽⁴⁵⁾

در اینجا به هیچ وجه نمی توانم با نظر *ترومپلمن* (L. TrumpeImann⁴⁶) هم رأی باشم که تصور می نمود این سر ستون ها در تراس کاخ خسرو در سرماج به کار رفته باشند، و اینکه ایشان معتقد است که هیچ نمونه ای از سنگ مرمر در بیستون بدست نیامده است، درست نیست.

زیرا در بیستون سنگ های تراش خورده به اندازه کافی وجود دارد: ستون و بقایای ستون های مرمرین و سنگ های متوازی السطوح مرمرین همگی دال بر این ادعاست.

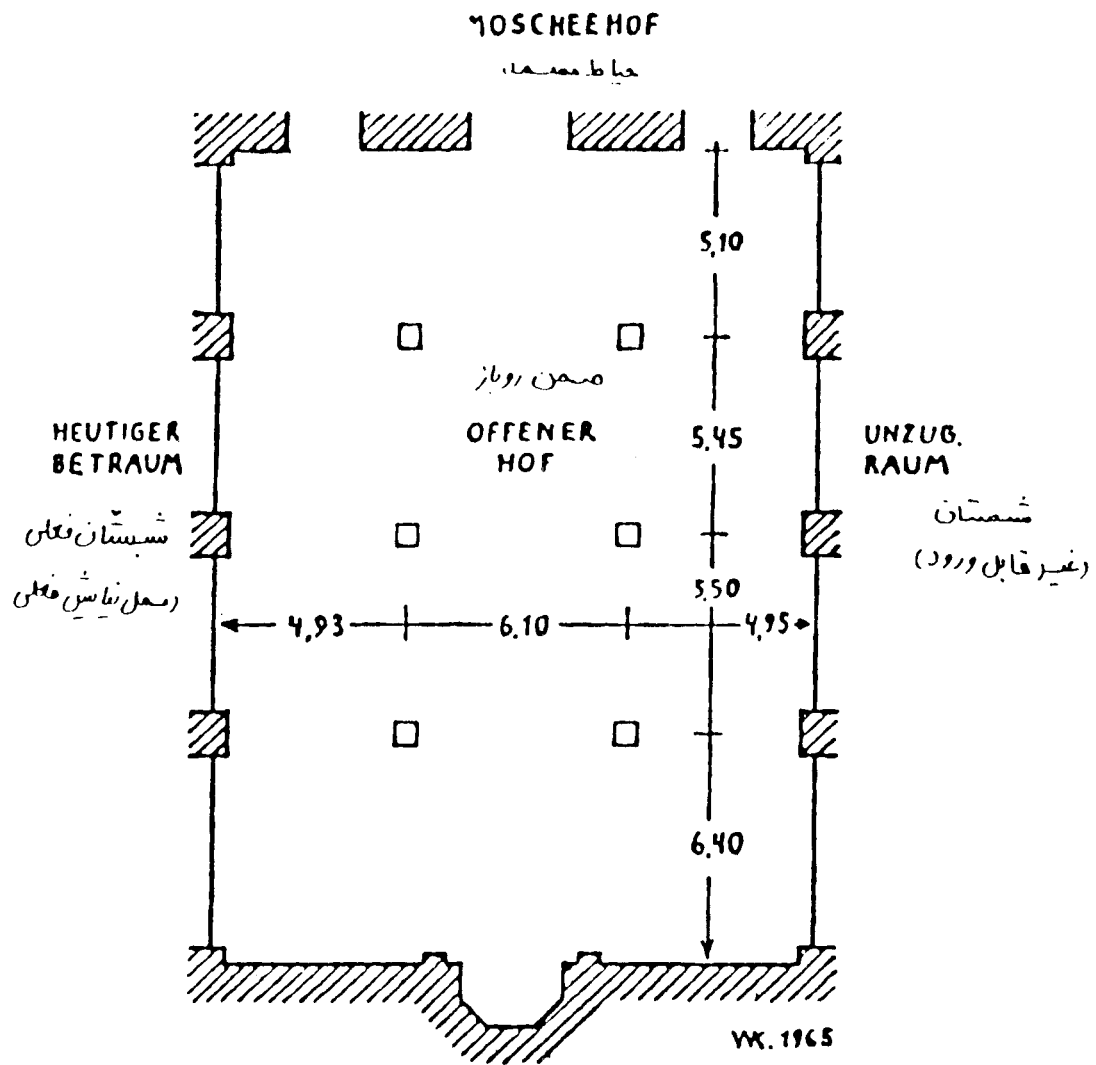
احتمال بیشتر آنست که این سر ستون ها برای استفاده در پاولیون شکارگاه خسرو دوم در کنار رودخانه و یا در نزدیکی دریاچه خود جوش تهیه شده باشد.⁽⁴⁷⁾ واقعیت آنکه هنوز آنرا نیافته ایم. اینجا می توانیم با طرح امامقلی میرزا هم داستان باشیم: ساختمانی دکه⁽⁴⁸⁾ مانند با چهار ستون در نما که در کنار رودخانه قرار می داشته است و یا ساختمانی همانند بالدائینو⁽⁴⁹⁾ یا سیبوریوم بیزانسی که در کنار چشمه مقدس واقع بوده است.

اعتقاد بر اینست که این سر ستون ها از سنت بیزانسی قرن ششم میلادی برگرفته شده باشد. به نظر می رسد که

قبول این ایده بسیار منطقی باشد، یعنی نه تنها به خاطر فرم معماری بیزانسی بلکه کاربری آن که بسیار به فرم معماری چهار طاق (چهار طاقی، آتشکده) نزدیک است نیز حائز تعمق است⁽⁵⁰⁾ البته یک احتمال سومی هم هست، در سال ۱۹۶۳ در ادامه جستجوی بقایای آثار ساسانی از مسجد جامع کرمانشاه بازدید نمودیم، در آنجا شش سر ستون ساسانی دیگر یافتیم (دقیق تر آنکه پنج سر ستون ساسانی و یک سر ستون که در یکی از ادوار اسلامی به تقلید سر ستون های ساسانی ساخته شده بود) و همچنین شمار زیادی از قطعات میانی ستون نیز در آنجا بود.

در طرحی که تهیه نمودم⁽⁵¹⁾ مشخص کردم که این سر ستون ها در یکی از شبستان های مسجد که از سه راهرو⁽⁵²⁾ تشکیل شده بود در یک سیستم معماری عمودی⁽⁵³⁾ قرار گرفته اند که شباهت زیادی به سالن های ساسانی دارد. نظیر تخت سلیمان و تپه میل که مدتهاست آنها را خوب می شناسیم. در اینجا پلان این شبستان را که *کلیس* در ۱۹۶۵ طراحی نموده در شکل ۶ مشاهده می نمائید. در حقیقت هیچ تشابهی با ریخت شناسی یک مسجد ندارد. این شبستان بدون استفاده و بدون سقف در حال ویرانی است، در حالی که نیایش در اطاق هائیکه در دو طرف مسجد قرار دارند انجام می گرفت. روایت ابودلف که «در کرمانشاه کاخی بود پرداخته هنرمند برای شبدیز»⁽⁵⁴⁾ (بنابراین در طاق بستان) مرا به این فکر می اندازد که این شبستان⁽⁵⁵⁾ بلااستفاده در مسجد جمعه با سیستم معماری عمودی خود، چیزی نمی تواند باشد به غیر از انعکاس یک کاخ ساسانی با سالنی سه راهه که این شش ستون را به وسیله طاق هایی به هم متصل کرده و بامی تخت آنها را پوشش می داده است. احتمالاً سازنده این مسجد جمعه، باید همان حاکم خودمان امامقلی میرزا باشد. چنانکه *کرزن*⁽⁵⁶⁾ در مورد او می نویسد: وی کرمانشاه را نوسازی کرده، آنرا با احداث بازار، ساختمان ها، کاخ ها و باغ های متعدد بسیار زیبا نموده است. با این همه این احتمال وجود دارد که ساختمان مسجد در دروه صغویه ساخته شده باشد.⁽⁵⁷⁾ (48) (۲۳)

با آنکه توانسته ایم شماره سر ستون های شناخته شده را



طرح ۶ - کرمانشاه، مسجد جمعه. طرح پلان صحن با سر ستون ها و

میان ستون ها. تصور w.kleiss در ۱۹۶۵

طرح ۶ - کرمانشاه، مسجد جمعه. طرح پلان صحن با سر ستون ها و میان ستون ها. تصور w.kleiss

- Bostan. AMI N.F. 1, 1968, 129 ff.; Verf., Zum Problem der Stilentwicklung in der achamenidischen und sasanidischen Reliefkunst. IrAnnt 11, 1975, 113 ff.
- 3- K. D. Kiash, Ancient Persian Sculptures (1889) 218 Taf. 63 (Aufenthalt im Lande: 1878).
 - 4- F. Sarre/E. Herzfeld, Iranische Felsreliefs (1910) 210.
 - 5- F. Rosen, persien in Wort und Bild (1926) 200, 202 Abb. beider Zustände.
 - 6- E. F. Schmidt, Flights over ancient cities of Iran 1940, 80 Taf. 95 (Aufnahme vom 11.11.1937).
 - 7- Sarre/Herzfeld⁴ 241 Abb. 114.
 - 8- Ebenda 241 Taf. 50
 - 9- E. Flandin/P. Coste, Voyages en Perse (1845-1854) 1 ff. Taf. 1 ff.
 - 10- Persia and the Persian Question I (1892) 559 f.
 - 11- H. L. Rabino, Kermanshah. Revue du Monde Musulman 38, 1920, 5.
 - 12- E. Herzfeld, Am Tor von Asien 58 Anm. 91; Curzon¹⁰ 559.
 - 13- F. Sarre in: Sarre/Herzfeld⁴ 241 f. Abb. 115; S. Fukai und K. Horiuchi, Taq-i Bustan I (1969) Taf. 31; dazu H. von Gall, VII. Interantionaler Kongreß für Iranische Kunst und Archäologie 1976= 6. Erg.- Bd. Der AMI (1979) 107 f. und P. Luft, demnachst in: Kunst des Orients.
 - 14- Curzon¹⁰ I 560.
 - 15- E. Flandin, Voyages en Perse Relation du Voyage (1851) 424.
 - 16- H. Petermann, Reisen im Orient II (1861) 258 (Aufenthalt im Lande: 1854).- Kapitelle in Bisutun : 255 f.
 - 17- Voyage en Russie, au Caucase et en Perse (1874) 464.
 - 18- Erdmann, MDOG 80, 1943, 19.
 - 19- Kiash³ Ch. De Morgan, Mission Scientifique en Perse II (1885) 104.
 - 20- Petermann¹⁶ 257.
 - 21- Curzon¹⁰ 559 f.; Herzfeld¹² 58.
 - 22- Herzfeld¹² 100 Taf. 52 mit alterer Lit.
 - 23- Kiash³ 217 Taf. 62.
 - 24- O. Mann, Globus 1903, 327 ff.; Herzfeld¹² III, Abb. 28; Erdmann¹⁸ 21 Abb. 8; Verf.; AMI, N. F. I 1968, 129 ff.; Abb. mit Einzzeichnung des Fundortes (3) und Abb. 2, 5 Taf. 51, 5 u. 6.
 - 25- Herzfeld¹² 115 ff. Taf. 60 Abb. 30, 31 "Spiegel und Sinnbild der gesamten geistigen und kulturellen Entwicklung der iranischen Welt in sasanidischer Zeit"; Erdmann¹⁸ 23 Abb. 9 damals noch nicht am Taq-i Bostan; Verf.²⁴ 130 Abb. 2, 2 Taf. 52, I u. 2.
 - 26- W. Kleiss, AMI N. F. I, 1968, 143 Abb. 2-4 Taf. 55
 - 27- E. Diez, Kunst der Islamischen Völker (ca. 1939) 154 ff.; A. U. Pope, A Survey of Persian Art (2. Aufl. 1967) 1219 ff. (Domestic Architecture); D. N. Wilber, Persian Gardens and Garden Pavilions (1962); dazu: D. Huff, in einer noch ungedruckten Studie über die Tradition des Repräsentations- und Wohnbaus in Iran.
 - 28- P. O. Rave, Friedrich Schinkel (1959).
 - 29- J. Carswell, New Julfa. Armenian Churches and

به هفت عدد افزایش دهیم هنوز هم در مورد نحوه به کار گیری ستون ها و سر ستون ها در معماری ساسانی خیلی کم می دانیم هر تفسلف از دو سر ستون در طاق بستان، یکی در بیستون، یکی در قلعه کهنه، دو عدد در اصفهان و یکی در حاجی آباد اطلاع داشته است که با احتساب قطعات دیگر و پایه ستون های اصلی به ۱۷ قطعه می رسند، هدف از ساختن آنها هنوز بر ما روشن نیست.⁽⁵²⁾

ستونی مهجور و جدا افتاده به مثابه یک جسم غریب در معماری ساسانی می ماند، و برای همین کاربرد آن در پندار ما به صورت مجهولی باقی مانده است. باید از امامقلی میرزا به خاطر ایده اش در به کار بردن سر ستون ها در نمای طاق دار^(۹۱) در یک ساختمان سپاسگزار باشیم، شبیه به آن چیزی است که در تخت سلیمان⁽⁵³⁾ کشف شد اما در آنجا سرستونی پیدا نشد. از سوی دیگر امامقلی میرزا اطلاعاتی بیش از آنچه که ما می دانیم نمی توانسته در اختیار داشته باشد زیرا در ۱۸۴۰ همان گونه که تصاویر فلاندن و کست نشان می دهند، سر ستون ها همانند دو قطعه رها، یکی در قبرستان و دیگری در دهکده افتاده بود.

اما در مورد شبستان مسجد، اگر واقعا وی سازنده آن بوده باشد می توان گفت که مواد بهتری نسبت به ما در اختیار داشته که برایمان یک شبستان^(۳۰) «سه راهه» با سر ستون ها و ستون های اصلی ساسانی ساخته است.

البته به هیچ روی عجیب نیست که مجله گزارش های باستانشناسی ایران^(۳۱) به این سازنده قرن ۱۹ بسیار پرداخته است، زیرا به مرحمت وی به معماهای حل نشده دوره ساسانی رهنمون گشته ایم، همان چیزی که روان و ادراک هر تفسلف را به خود مشغول داشته بود.

یادداشتهای مؤلف:

- 1- Die entscheidenden Aufsätze sind: K. Erdmann, Das Datum des Taq-i Bostan, Ars Islamica 4, 1937, 79 ff.; E. Herzfeld, Khosrow Parviz und der Taq-i Vastan, AMI 9, 1938, 91 ff.; K. Erdmann, Die Kapitelle am Taq-i Bostan, MDOG 80, 1943, 1 ff.
- 2- Verf., Zur Datierung der sasanidischen Kapitelle aus Bisutun und des Monumentes von Taq-i

- 47- Verf.²⁴ 129 ff.
 48- Ciborium : Th. Klauser, Reallexikon für Antike und Christentum s.v Ciborium.
 49- Verf.²⁴ 132 Abb.4.5.
 50- V. Minorsky, Abu Dulaf... Travels in Iran ca A. D. 950 (1955) 45,33,91.
 51- Curzon¹⁰ I 568 f.
 52- Herzfeld¹² 10 u. 11 Abb. 28 ff. Taf.55 ff. Verf.²⁴ W.Kleiss ebenda 143 ff. Abb. 2 ff. 55.
 53- R. Naumann, Die Ruinen von Tacht-e- Suleiman und Zendan-e- Suleimn (1977) 32, Abb. 19. 129 ff. Abb. 2ff. Taf. 51 ff.

یادداشت مترجم:

(۱) - این مقاله ترجمه ای است از:

H. LUSCHEY , " DAS QADJARISCHE PALAIS AM TAQ -I- BOSTAN "

که در سال ۱۹۷۹ در شماره دوازدهم مجله.

ARCHAEOLOGISCHE MITTEILUNGEN AUS IRAN.

به چاپ رسیده است. اصل آن به زبان آلمانی بوده و سپس به زبان ایتالیایی برگردانده شده است. این ترجمه بر اساس متن ایتالیایی انجام یافته و سپس با متن آلمانی مقایسه شده است. برخود واجب می داند از دوست ارجمندم آقای یوسف مرادی که متن اصلی (آلمانی) را در اختیارم قرار داد و همچنین آقای ابوالقاسم آمایه که ترجمه ایتالیایی آنرا برایم ارسال داشتند سپاسگزار می‌کنم.

(۲) هرستفلد Herzfeld و برخی از محققین دیگر معتقد به وجود ایوان سومی در سمت چپ طاق بزرگ و قرینه باطاق کوچک در طاق بستان می باشند که انجام نیافته است.

(۳) Canal Grande. قدیمی ترین و بزرگترین کانال شهر ونیز، درازای آن ۲۸۰۰ متر و پهنای آن از ۳۰ تا ۷۰ متر میباشد. در دو طرف این کانال زیباترین ساختمان های ونیز در حالیکه پنجره های آن ها بسوی کانال باز میشوند قرار دارند.

(۴) Ente responsabile dei beni culturali

(۵) در واقع مهتابی طبقه فوقانی یک رواق یا همانگونه که در متن اصلی آمده است یک لژ می باشد.

(۶) نقش برجسته محمد علی میرزا به مراتب کوچکتر از نقش خسرو می باشد. شعری که در مدح وی در قسمت وسط (و در بالای) نقش برجسته حجاری شده است رباعی زیر می باشد:

این طور تجلی کلیم الله است یا جلوه گه جمال دولتشاه است

- other Buildings (1968) 65 ff .; K. Karapetian, Isfahan, New Julfa the houses of the Armenians (1974) dazu die Einleitung von G. Zander XXI ff .; O. Reuther, Das Wohnhaus in Baghdad und anderen Stadten des Iraq (1910)
 30- Endpavillon Cahar Bagh : F. Sarre, Denkmaler persischer Baukunst (1901/1910) 89 Taf. 70 ; S. Kheiri . Islamische Architektur (O.J 20er Jahre) = Orbis pictus Taf. 23 ; dazu Pietro delle Valle, Reisebeschreibung (Genf 1674) 11, 18 Brief vom 17. Marz 1617 ; Verf. ; Der königliche Marstall in Isfahan und Engelbert Kaempfers Planographia des Palastbezirkes 1712. Iran. 17, 1979, 71 ff .; Studies Presented in honour of Basil Gray).
 31- Mittelpavillon der Pol-i Kadju. Grundriß und Aufriß : Pope, Survey²⁷ 1238 Fig. 439 Taf. 495 ; M. Ferrante in : G. Zander , Travaux de Restauration de Monuments Historiques en Iran. Reports and Memoirs VI (1968) 451 ff .; Verf.³⁰
 32- E. Kaempfer zu den Brucken : Amoenitates Exoticae (1712) 166 mit Stich. Vgl. W. Hinz. E. Kaempfer , Am Hofe des Persischen Großkönigs (2. Aufl. 1977) 195.
 33- E. Holtzer, Persien vor 113 Jahren . Hrsg. v. M. Assemi (1976) 120 ff.
 34- Seltamerweise haben die zahlreichen Bücher über Isfahan und die Kunst der Safaviden diese künstlerische Leistung anscheinend nicht bemerkt oder nicht abgebildet. Man sieht immer nur ein dünnes Rinnsal vor dieser Brücke. S. Verf. : The pol-i Kadju in Isfahan : a combination of bridge, dam and waterart, Studies in honour of Katharina Otto – Dorn (im Druck).
 35- Sasanidische Felsreliefs an Quellen : vgl. L. Vanden Berghe, Archeologie de L Iran Ancien 46 Taf. 64: 51 Taf. 73 b. c. ; 56 Taf. 82 a. b.; an Wasserlaufen : 50 ff.; Taf. 70 f. ; 55 ff. Taf. 77 ff. ; 56 Taf. 83.
 36- Zuletzt: D. Huff, Proceedings of the 11th Annual Symposium on Archaeological Research in Iran 1974. 155 Fig. 9 ; R. Ghirshman, Bishapur I (1971) 29 fig. 2.3 .
 37- Verf. : AA 1974. 138.
 38- Voyage dans l' Empire Ottoman. Egypt et la Perse V (1807) 26.
 39- M. Ferrante³¹ 133 ff. Fig.4 ("Ali Qapu): 293 ff. Fig. 6 (Cehel Sotun); 399 ff. Fig. 2.4 (Hast Behest); dazu die Lithographie von P. Coste bei W. Blunt. Isfahan . Pearl of Persia (1966) Abb. 91.
 40- A.U. Pope, Persian Architecture (1965) fig. 316.
 41- D. N. Wilber, Persian Gardens and Garden Pavilions (1962) 221 ff. Fig. 112 .115.
 42- Derselbe 193 ff. Fig.95.
 43- Pop²⁷ XIV (1967) 3193 Taf. 1528 ff.
 44- Vgl. Anm. I, Herzfeld¹² 71 f.
 45- F. Sarre. Kunst des alten Persiens (1923) 48 : Drei-Bogenfront eines vor der Grotte befindlichen Gebäudes : A. Godard. Athar-e Iran 3, 1938, 10 : Petit Pavillon a quatre colonnes: im Anschluß an Herzfeld auch noch : Priscilla Soucek in : Studies Presented to R. Eittinghausen 1974. 28 note 9.
 46- L. Trümpelmann. AA 1968. 11 ff.

شهزاده محمد علی آن کش خسرو چون دربنای ستاده بر درگاهت

(۷) - کاخ عمادیه را همان امامقلی میرزا عماد الدوله بنا نهاد است و نه محمد علی میرزا. البته محمد علی میرزا نیز در این حوالی دست به ساختن عمارات و ابنیه ای زده بوده است و به عقیده برخی از سفرنامه نویسان قصد داشته شهری در آن محل احداث نماید.

(۸) - در این دو راهی در حدود سال های ۱۳۴۹-۱۳۴۸ فلکه ای احداث شد که هم اکنون به «میدان لب آب» مشهور است.

(۹) - "elle ne present d' ailleurs aucun interet"

(۱۰) - Je dirai peu de chose du petit palais que

le prince-gouverneur de Kirmanchah a fait elever contre le flanc du rocher et sur les sources memes de Tagt-i-Bostan. Ces eaux Jaillissent avec abondance dans le fond du vestibule meme qui forme le rez- de- chaussee de l' edifice, lequel est plutot un pavillon coquet qu' une residence complete. Au devant du palais et des grottes se developpe non un bassin, mais un superbe etang a revetement de briques, alimente par ces belles eaux. Cette piece d' eau unique est entouree d' un jardin largement arrose par une partie du trop plein ;"

(۱۱) - قلعه کهنه دهی از دهستان بالا در بند، بخش مرکزی، شهرستان کرمانشاه، استان کرمانشاه واقع در ۲۲ ک. م شمال باختری کرمانشاه با عرض جغرافیایی ۲۶ ۳۴ و طول جغرافیایی ۵۴ ۴۶، آثار قلعه عظیم نادری که به قلعه کهنه معروف می باشد نیز در نزدیکی آن واقع است. « فرهنگ جغرافیایی آبادیهای کشور جمهوری اسلامی ایران» کرمانشاه جلد ۴۶- سال ۱۳۷۴.

(۱۲) - وندرنی: دهی از دهستان بیلوار، بخش کامیاران، شهرستان سنندج، استان کردستان، طول جغرافیایی ۲۷ ۴۷ عرض جغرافیایی ۳۷ ۳۴، فرهنگ جغرافیایی آبادیهای کشور جمهوری اسلامی ایران کرمانشاه- جلد ۴۶- سال ۱۳۷۴ «

(۱۳) - با وجود آنکه عماد الدوله کتیبه ای در مورد این عمارت در نزدیک طاق بزرگ و در طرف راست آن در ۱۰ سطر نویسنده و تاریخ احداث آنرا که ۱۲۸۰ هجری می باشد نیز قید نموده است جای بسی شگفتی است که **لوشای** I.USHEY با همه دقت و نازک بینی که داشته است متوجه آن نگردیده و برای دستیابی به تاریخ ساخت بنا متوسل به پژوهش در گزارش های جهانگردان و محققین پیشین گردیده است.

(۱۴) - چشمه طاق بستان سر منشا رودخانه قره سو نمی

باشد، در واقع آب این چشمه پس از طی جلگه طاق بستان از طریق چند نهر و جویبار به این رودخانه می پیوندند.

(۱۵) - A quelques pas de la montagne il y a deux sources - trers-considerables d' une eau vive et tres-fraiche, qui se repand sur les terres d' alentour, y forme des marecages, va se reunir ensuite en un meme it et donner naissance a la petite reviere de Kara-Souï. Autour de ces sources, et un peu plus lion dans la campagne, on voit des pierres taillees en carre long, qui sont visiblement les restes d' un vaste reservoir, dont on reconnoit encore quelques traces".³⁸

(۱۶) در متن آلمانی Altan و در ترجمه ایتالیائی Altana. ضبط گردیده است. این واژه به فرانسه mirador و در انگلیسی با roof-terrace نشان داده می شود، به فارسی معادلی پیدا نشد.

معنی آن تراس مسقفی است که در یکی از طبقات و اغلب در طبقه آخر ساختمان واقع است، سقف این فضا اعم از آنکه طبقه دیگری روی آن قرار گرفته باشد و یا صرفاً به پشت بام ختم شده باشد به وسیله تعدادی ستون تحمل می گردد واژه تراس به تنهایی گویای این فضای معماری نیست.

(۱۷) (G.) manierismus (it), manierismo (E) Mannerism در فارسی اخیراً واژه «شیوه گری» را در برابر کلمه فوق به کار می برند.

(۱۸) die "Klassische" Ausgewogenheit der Safavidischen Architektur des 17.

(۱۹) Hoos- Khane

(۲۰) Mohsen und Selma Moghadam (۲۱) در هر دو متن واژه «کیوسک» (a chiosco) . (kosk) به کار برده شده است.

(۲۲) baldachinartigen و در ترجمه ایتالیائی a baldachino (همانند بالداکتیو) بکار رفته.

baldachino به معنای سقفی زینتی است که با مصالح ساختمانی و یا چوب بر بالای منبر در کلیساها و همچنین بر بالای تخت شاهی و یا تختخواب های مجلل (در قرون گذشته) به کار می رفته است. در فارسی واژه دقیقی برای آن پیدا نشد. ترجیح داده شده از کلماتی نظیر سایبان، آسمانه، دلبران، سراسایه و یا قبه^۳ تزئینی استفاده نکرد به فرانسه و انگلیسی به ترتیب baldaquin و baldachin.

(۲۳) در متن آلمانی Ciborien و در ترجمه ایتالیائی Ciborio به کار رفته است این واژه هم کمابیش مفهوم کلمه قبلی را دارد یعنی سقف زینتی که بر بالای محراب کلیساهای جامع از سنگ به اشکال مختلف سازند. گاه نیز بر روی قبر مقدسین ساخته می گردد. به انگلیسی و فرانسه Ciborium.

(۲۴) لازم به ذکر است که بعدها با پیدا شدن سر ستون های دیگر هم اکنون تعداد آنها بیش از زمانی است که *LUSCHEY* این مقاله را تدوین کرده است، بنابراین استفاده همه آنها در یک چهار طاقی بعید به نظر می رسد، همچنین با توجه به سنگ های تراش خورده بی شمار در بیستون، بیشتر احتمال برپائی کاخ یا بنائی بزرگ در میان بوده است تا احداث یک چهار طاقی کوچک، شگفت آنکه در پاراگراف بعدی به پنج سر ستون دیگر در صحن مسجد جامع اشاره می نماید.

(۲۵) - aisles . nave , navata در فرهنگ مصور هنرهای تجسمی (پرویز مرزبان - حبیب معروف) کلمه «راه» را مترادف واژه فوق قرار داده است.

(۲۶) Sistema architettonico verticiale

(۲۷) (hypostyle) ipostila

(۲۸) - در کتاب «کرمانشاهان باستان» در مورد تاریخ ساخت و بانی مسجد و سر ستون های موجود در صحن آن چنین آمده است:

«مسجد جامع کرمانشاه هم از نظر ساختمان ستون ها به مساجد دوره زندیه شباهت دارد. در مدخل مسجد سال ۱۱۹۶ هـ ق را تاریخ بنا ظاهرا معرفی کرده است و این سال مصادف با حکومت علیمراد خان زند جانشین کریم خان است. به طوری که در افواه شایع است و ظاهرا مشهود نیز هست این بنا از مسجد و مدرسه و حسینیه تشکیل شده است. بانی این بنا «حاج علیخان» زنگنه از نوادگان شیخ علیخان معروف و حاکم کرمانشاهان می باشد.

«سید عبداللطیف جزایری» که قبل از سال ۱۱۹۵ هـ ق در کرمانشاه بوده از این مسجد نام می برد. بنابراین تحقیقا معلوم نیست که سال ۱۱۹۶ هـ ق که در مدخل مسجد کتیبه شده تاریخ بنای مسجد بوده یا زمان ساختن مدرسه و حسینیه، آنچه معلوم است سکوب وسیع صحن مسجد که غالبا از سنگهای عمارات قدیمی ساسانی کرمانشاهان و احتمالا بیستون، ساخته شده برای حسینیه آماده گردید. و حجرات اطراف و دو بالاخانه ی سمت جنوبی مسجد مدرسه بوده است. در قسمت جنوبی مسجد یک مسجد دیگر با صحن و شبستان امروز وجود دارد که به «مسجد امیری» شهرت یافته زیرا بانی آن «امیر نظام» زنگنه از نوادگان شیخعلیخان و از رجال سیاسی دروه «محمد شاه» قاجار و اوائل سلطنت ناصرالدین شاه بوده است. از آثار

ستون هایی که در صحن این مسجد هنوز به چشم می خورد می توان دریافت که این مسجد با بنای قبل از آن محیطی مسقف بوده است. مطلب جالب توجه آنکه در پای دیوار صحن این مسجد دوازده میان ستون یک پارچه سنگی که سر ستونهای آنها مانند ستونهای تاق وستان روزگاری منقش بوده که در روزگار اسلامی آن را صیقل داده و تراشیده اند قرار دارند. بدون تردید این ستون ها به عمارات و قصور ساسانی تعلق داشته است. هنوز با گذشت زمان و با همه کوششی که از طرف حجاران در محو نقوش و اشکال تزئینی سر ستون ها به کار رفته، بقایای نقوش و گل و بوته معمول سر ستون های ساسانی در طرفی از این سر ستون ها دیده می شود به علاوه ابعاد سر ستون ها با سر ستون هایی که در این نواحی از دوره ساسانی به دست آمده اند کاملا تطبیق می کنند.»

کرمانشاهان باستان - وزارت فرهنگ و هنر - بی تاریخ (؟ ۱۳۴۶).

متأسفانه در سال ۱۳۷۰ مسجد و صحن امیری را به کلی خراب نمودند و مسجد جدیدی بجای آن احداث نمودند و تنها نیمی از شبستان مسجد جمعه که در ضلع شمالی واقع است باقی مانده است. سر ستون ها و میان ستون های واقع در صحن مسجد نیز به طاق بستان انتقال داده شد و بدین ترتیب امکان هر گونه پژوهشی در این زمینه از دست رفت.

لازم به ذکر است که در سنوات اخیر دو سر ستون دیگر کشف گردید، تاریخ و محل پیدایش آنها به شرح زیر است:

۱- در سال ۱۳۷۲ سر ستونی بسیار زیبا و بی نظیر در رودخانه آبشوران و در نزدیکی سیلو پیدا شد گفته می شود که این سر ستون را در هنگام خاکبرداری جهت احداث مسجد در پی یکی از دیوارهای مسجد امیری که قبلا تخریب شده بود کشف گردید.

۲- در آبانماه ۱۳۷۸ پس از خاکبرداری در محل شهربانی سابق که جنب همین مسجد می باشد سر ستون دیگری کشف شد که داخل آنرا در ادوار بعدی تراشیده و خالی نموده اند.

(۲۹) ad archi

(۳۰) در اینجا از واژه سالن استفاده شده است.

(۳۱) ARCHAEOLOGISCHE

MITTEILUNGEN AUS IRAN نام مجله ای که این

مقاله در آن درج شده است.